

به پیش!

شماره ۳۴، پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۸

WWW.WSU-

★★★★★★★★★★★★★★★★★★
 ★ در آمدی به سیر تطور ★
 ★ بحران نئولیبرالیسم ★
 ★ سهراب صبح صفحه آخر ★
 ★★★★★★★★★★★★★★★★★★

آغاز پایان دوره عدم تشکل!

حمید قربانی

کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه سر انجام پس از مبارزات طولانی، بمدت یکسال و نیم به یکی از خواست های اساسی خود یعنی تشکل توده ای طبقاتی جامه عمل پوشاندند. روز چهارشنبه اول آبان ماه ۱۳۸۷ با گذاشتن ۴ صندوق رأی در محیط کارخانه و مزارع کشاورزی نمایندگان خود را برگزیدند و تشکل سندیکائی خود را به وجود آوردند. کارگران این مجتمع صنعتی و کشاورزی با این کار که در برابر چشمان کارفرمایان و مسئولین ریز و درشت کارخانه و دولتی ونیروهای سرکوبگر انجام گرفت، بر ایده اینکه در ایران با وجود خفقان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی بدون اجازه دولت و کارفرما ایجاد تشکل کارگری غیر ممکن است، مهر باطل زدند. این عمل برای بار دیگر صحت سیاست و استراتژی جناح چپ و سوسیالیست مبنی بر اینکه ایجاد تشکل طبقاتی کارگری فقط و فقط با تکیه بر نیروی کارگران و بدون مجوز از دولت و کارفرما امکان پذیر است را در پراتیک نشان داد. چنین شهامت و جسارت طبقاتی

بقیه در صفحه ۵

هفت تپه: اطلاعیه
کارگران هفت تپه
و پیام های تبریک
به کارگران به
مناسبت انتخاب
نمایندگان سندیکا

(کمیته هماهنگی،
کارگران ایران
خودرو، سندیکای
واحد، اتحادیه
کارگران پست
کانادا، به پیش)

صفحات ۸ و ۹

متن مصاحبه
رادیو صدای
زنان با کورش
از کارگران
نیشکر هفت تپه

صفحات ۹ تا ۱۲

افشین شمس
فعال کارگری به
یک سال زندان
محکوم شد!!

صفحه ۷

جلب حمایت جنبش کارگری جهانی از کارگران ایران

قسمت سوم مصاحبه با رضا مقدم حول
 مباحث کنفرانس ششم
 سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری

ادامه از شماره قبل

۱۲. از دیگر موضوعات مورد بحث در کنفرانس ششم فعالیت برای جلب همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور بود. در خارج کشور، این عرصه از فعالیت همواره مورد تأیید و تأکید اتحاد سوسیالیستی کارگری بوده است. چه مسئله جدیدی بحث مفصل در این باره را ایجاب می کرد؟

بله. ما همواره بر فعالیت برای جلب همبستگی با جنبش کارگری ایران تأکید داشتیم و در آن فعال بودیم. چرا که این وجهی از فعالیت جنبش کارگری ایران است که فعلا و بنا به موقعیت فعلی طبقه کارگر ایران در خارج انجام میشود. به عبارت دیگر این تنها عرصه از فعالیت در خارج کشور است که مستقیما و بلاواسطه ادامه جنبش کارگری در داخل است. بحث مفصل در این عرصه به دو دلیل ضروری بود. اولاً، فعالیت برای جلب همبستگی در خارج کشور وارد دوران جدیدی شده است که باید آنرا شناخت و تغییراتی را که لازم است در این عرصه از فعالیت دخیل کرد، و دوماً، به اندازه ای که شایسته مبارزات و جانفشانی های طبقه کارگر ایران است، و به حدی که جنبش کارگری ایران به آن نیاز مبرم دارد رشد و گسترش نیافته است.

بقیه در صفحه ۲

کردند و یا برایشان سیاست و شعار تعیین می کردند، پایان یافته است. اکنون فعالیت کمپینهای همبستگی تنها می تواند فعالیتی اساسا تابع فعالیت‌های تشکلهای و فعالین جنبش کارگری در داخل باشد و به این اعتبار کاملا پشت جبهه ای است. یعنی اصل جنبش کارگری ایران و تشکلهای و فعالینش در داخل است و فعالیت در خارج و کمپینهای همبستگی پشت جبهه جنبش کارگری ایران است.

دوره جدید موانع همکاری گرایش‌ها و خطوط گوناگون در کمپین‌های همبستگی را می‌کاهد. بدین معنی که مینای اتحاد در این کمیته‌ها و کمپین‌ها نه توافق بر سر نظرات و سیاست‌های هر یک از این گرایش‌ها و خطوط مختلف و افراد است و نه توافق بر سر مخرج مشترک مواضع و سیاست‌های آنهاست.

این کمیته‌ها برای حمایت از کل جنبش کارگری ایران علیه کارفرماها و دولت ایجاد شده است و لذا جلسات این کمیته‌ها تنها محل بحث بر سر چگونگی دفاع از جنبش کارگری ایران و طرح‌ها و ابتکارات معین در این زمینه است. این سهولت در متحد شدن کمک بزرگی به گسترش کمپینهای همبستگی هم از نظر تعداد و هم از نظر قدرت بسیج در برگزاری تظاهراتها و جمع آوری کمک مالی است. و این در گرو همکاری تنگاتنگ و اتحاد این کمپینها در ظرفهای بزرگتر است چرا که بطور مثال تنها تظاهراتها و کمپین‌های جمع آوری کمک مالی که فراتر از یک شهر و یک کشور و هماهنگ با هم و در یک زمان معین انجام شود قدرت تاثیر گذاری و

کارگری در داخل و آگاهی و آشنایی وسیع تشکلهای کارگری جهانی با اوضاع جنبش کارگری ایران و حمایت بین المللی از طبقه کارگر ایران این دوره را از دوره اول جدا میسازد و از مشخصات دوره دوم است. در این دوره فعالین جنبش کارگری در ایران به انجای گوناگون متشکل شده اند و نشریه منتشر می کنند و خود وظیفه بیان خواستههایشان را راسا بعهده گرفته اند و به دوره ای که فعالین خارج بشکل نیابتی مطالبات کارگری را بیان می داشتند، پایان دادند. در دوره دوم حتی بیشترین سخنرانیهای صورت گرفته در خارج کشور توسط فعالین جنبش کارگری داخل و توسط شبکه اینترنتی انجام شده است.

۱۴ - بازتاب مشخص به میدان آمدن خود فعالین جنبش کارگری در داخل که شما از آن بعنوان یکی از دلایل دور دوم نام میبرید در فعالیت کمپینهای همبستگی چیست؟

رشد جنبش کارگری ایران فعالیت همبستگی در خارج کشور را به یک فعالیت کاملا پشت جبهه ای تبدیل کرده است. بدین معنی که اکنون وظیفه این کمپینها رساندن صدای جنبش کارگری و فعالینش که فی الحال خود دارای انواع نشریه و تشکل هستند و اطلاعیه های خبری صادر می کنند به جنبش کارگری جهانی است. دوران مرجعیت کمپینهای همبستگی که راسا و بشکل نیابتی خواستههای جنبش کارگری را بیان می

حمایت از جنبش کارگری ایران در خارج کشور ظرفیت و پتانسیل رشد عظیمی نسبت با آنچه الان هست دارد و لذا باید موانع رشد و گسترش آنرا تحلیل کرد و آنها را رفع نمود.

۱۳ - جلب همبستگی برای جنبش کارگری بیش از دو دهه است که اساسا توسط فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور جریان دارد. مشخصات این دوره جدید چیست و چه تفاوتی با گذشته کرده است؟

فعالیت برای ایجاد همبستگی کارگری دوران متفاوتی را پشت سر گذاشته است که توضیح مفصل درباره هر کدام را باید به فرصت دیگر و اساسا به نوشته هایی که بطور مشخص به همین موضوع اختصاص دارد، واگذار کرد. به اختصار این فعالیت را می توان به ۲ دوره تقسیم کرد. در دوره اول فعالین کارگری گریخته از چنگ رژیم راسا وظیفه نمایندگی و بیان مطالبات طبقه کارگر ایران را بعهده گرفتند و با کار مداومی نزدیک به دو دهه جنبش کارگری کشورها را محل اقامت خود را با مسائل جنبش کارگری ایران آشنا کردند و حمایت آنها را در دفاع از خواستههای کارگران و در اعتراض به سرکوب جنبش کارگری توسط رژیم اسلامی جلب کردند. این دوره با عروج جنبش کارگری ایران پس از اول ماه مه سقز در سال ۱۳۸۲ به پایان رسید. جلوی صحنه آمدن فعالین جنبش

Postfach 940166
60459 Frankfurt
Germany

bepish@hotmail.fr

به پیش!

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای **به پیش!** منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.



امکان موفقیت دارد. این اتحاد و هماهنگی را باید بوجود آورد و موانع آنرا با حوصله و صبوری و با بیشترین انعطاف بر طرف کرد. تا آن روز این همکاریها می تواند به اشکال مختلف و تحت نامها و عناوین متفاوت صورت گیرد، از اتحاد عمل های موردی با هر تعداد ممکن از این کمیته ها و کمپینها تا اتحادهای دائمی تری که نمونه هایی از آن هم اکنون وجود دارد.

۱۵ - بیانیه کنفرانس بر دوران کریستالیزه شدن و هویت مشترک بخشیدن به گرایش سوسیالیسم کارگری تاکید دارد و شما اینجا از همکاری گرایشات در کمپینهای همبستگی و آن هم با بیشترین انعطاف صحبت می کنید. چگونه میشود هر دو این سیاست ها را با هم و همزمان داشت؟

اولویت مهم ما تلاش برای ایجاد یک هویت مشترک و شفاف برای گرایش سوسیالیسم کارگری است و بحث بر اختلاف گرایشات چپ و راست در جنبش کارگری تنها و تنها بخش کوچکی از این تلاش است و در داخل و خارج کشور جریان داشته و ادامه خواهد یافت.

اما از آنجا که سوسیالیسم کارگری هیچ منفعتی جدا از منافع کل طبقه ندارد در خارج کشور و در این کمپینها می توانیم با گرایشات و خطوط دیگر و در چهارچوب فعالیت کمپینی در دفاع از جنبش کارگری ایران علیه کارفرماها و دولت مشترکا فعالیت کنیم. از منظر سوسیالیسم کارگری اینها با هم تناقضی ندارند مادام که گرایشات و خطوط دیگر این کمپینها را علیه سوسیالیسم کارگری بکار نمی گیرند. مسئله این است اتحاد در چهارچوب کمپینهای همبستگی نظیر اتحاد در احزاب و سازمانهای سیاسی نیست که بر یک اعتقادات پایه ای، برنامه ای و... غیره متکی باشد. چسب

اتحاد در کمپینهای همبستگی همانطور که بالاتر هم توضیح دادم در نزدیکی نظری گرایشات نیست. آنچه این همکاری ها را حفظ می کند اولاً، نحوه تصمیم گیری شفاف و روشن و بر اساس اتفاق آرا است. هیچ گرایش و فردی حاضر نیست وارد یک فعالیت مشترک با خطوط و گرایشات دیگر شود و بر اساس روشی بجز تصمیم گیری بر اساس اتفاق آرا عملاً به مهر پلاستیکی تأیید اقدامات و سیاستهایی تبدیل گردد که با آن موافق نیست. دوم، وجود مناسبات سالم، اصولی و شفاف است تا تضمینی باشد برای جلوگیری از محفل بازی و توطئه های مخفیانه علیه دیگر گرایشات و افراد. فعالیت مشترک گرایشات در کمپینهای همبستگی فقط بر مبنای احترام متقابل و اجتناب از بر چسب زنی و هتک حرمت و شرافت سیاسی یکدیگر امکان پذیر است و به جز آن، اتحاد و فعالیت مشترک گرایشات برای حمایت از مبارزه و منافع کل طبقه کارگر علیه کارفرماها و رژیم اسلامی را خدشه دار می کند.

۱۶ - جلب همبستگی تشکلهای کارگری جهانی با جنبش کارگری ایران در دور جدید چه جایگاهی یافته است؟

کمیته ها و کمپین های همبستگی در خارج کشور تا هنگامی که خود فعالین و تشکل های داخل کشور راساً قادر به ایجاد ارتباط با جنبش کارگری بین المللی نشده اند، وظیفه متصل نگاه داشتن این دو را به عهده دارند. با پیشروی جنبش کارگری به سمت تشکل یابی این فعالیت هم پایان می یابد و بسیار کم رنگ می گردد. بطور مثال کارگران واحد سندیکای خود را ایجاد کردند و به اتحادیه جهانی کارگران ترانسپورت پیوستند. در خارج کشور، اکنون اتحادیه جهانی ترانسپورت بیشترین بار حمایت از سندیکای واحد را بعهده دارد و راساً در دفاع از آنها کمپین

حمایتی میگذارد و لذا این کمپینها هستند که باید خود را با کمپین اتحادیه جهانی ترانسپورت تنظیم و هماهنگ کنند. باید تاکید کرد اینجا منظور جلب همبستگی از تشکل های اصیل کارگری است مستقل از سیاستهای حاکم بر آنها که ممکن است لیبرالی یا سوسیال دموکراسی باشد و نه نهادهایی که تحت عناوین مختلف، نظیر مرکز همبستگی آمریکایی، که ابزار دست سیاست خارجی دولتشان برای به فساد کشاندن جنبش های کارگری است. به این اعتبار کمپین های همبستگی باید نسبت به فعالیتهای مرکز همبستگی آمریکا برای رخنه و به فساد کشاندن جنبش کارگری ایران حساسیت مطلق داشته باشند. بعلاوه ضروری است تا تشکلهای فعالین جنبش کارگری در داخل هم نسبت تشکل هایی نظیر مرکز همبستگی آمریکایی و همچنین نسبت به افرادی که عموماً ارتباطشان را با تشکلهای کارگری برقرار می کنند، حساس باشند.

جنبش زنان و تکالیف گرایش سوسیالیسم کارگری

۱۷ - در کنفرانس یک سمینار جانبی نیز در مورد جنبش زنان و کمپین یک میلیون امضا برگزار شد. در مجموع دخالت موثر سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان از چه زاویه ای اهمیت دارد؟

با عروج جنبش اصلاحات و رئیس جمهور شدن خاتمی یک خط مشی معین که ملغمه ای از سوسیال دموکراسی و لیبرالیسم بود در جنبش کارگری، جنبش لیبرالیسم بود در جنبش دانشجویی و جنبش زنان به جلوی صحنه آمد و وظیفه سخنگویی این جنبشها را از زاویه ای اساساً لیبرالی (و تا آنجا به جنبش زنان بر می گردد بعضاً آغشته به اسلام نیز بود)، به عهده گرفتند. به این اعتبار هرگونه تأثیر





ما در قبال جنبش زنان باشد، باندازه کافی گویای ضعف گرایش سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان و کارهای زیادی است که باید انجام گیرد.

۱۸- پرداختن به کمپین یک میلیون امضا و نقد آن چه مکانی برای گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش زنان دارد؟

خط مشی لیبرالی و سوسیال دمکراسی در جنبش زنان، که آغشته به اسلام نیز

هست و "فمینیسم اسلامی" را نیز در برمیگیرد، اکنون در کمپین یک میلیون امضا متشکل است. توسط چپها و سوسیالیستها تاکنون انتقاداتی به کمپین یک میلیون امضا صورت گرفته اما اساسا از زاویه اختلافات عقیدتی و ایدئولوژیک به ویژه نقد آمیختگی آن با اسلام و دخیل بستن آنها به آخوندهای دارای رساله به اصطلاح "لایت" بوده و یا تشریح و اختلافات برنامه ای و نوع مطالبات را مد نظر داشته است. اما این نقدها که بعضا بسیار اصولی، عمیق و وزین بوده نتوانسته است راه را برای عروج شاخه ای و یا نوعی از جنبش زنان که خود را رسماً و علناً در کنار جنبش کارگری و دانشجویی بداند، راهگشا باشد.

طبعاً نقد گرایش سوسیالیسم کارگری به کمپین یک میلیون امضا قبل از آنکه از زاویه اختلافات عقیدتی، ایدئولوژیک، برنامه ای و یا مطالباتی باشد نقدی است به استراتژی این کمپین برای دستیابی به خواستهای زنان. استراتژی منبعث از لیبرالیسم حاکم بر کمپین یک میلیون امضا را باید نقد کرد و در تقابل با آن استراتژی سوسیالیستی و رادیکالی را برای پیشروی جنبش زنان در جهت کسب مطالباتش تبیین نمود و تثبیت کرد. یک استراتژی طبقاتی و سوسیالیستی که بتواند راهها و روشهای کاملاً واقع گرایانه، عملی و کارساز را برای پیشروی جنبش زنان بیان و تشریح کند.

در این صورت اساس مباحث در جنبش زنان حتی اگر تا عمیق ترین سطوح تئوریک، نظری و سیاسی علیه لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی جریان یابد و یا آمیختگی آن با اسلام و رفت و آمدهایشان به حوزه های علمیه را افشا کند، حول چگونگی پیشروی عملی جنبش زنان برای کسب مطالباتش خواهد بود. در این پروسه است که فعالیت محافل سوسیالیستی پراکنده و فی الحال موجود در جنبش زنان می تواند متحد شود و با تضعیف استراتژی حاکم بر کمپین یک میلیون امضا فضایی برای دخالت موثر در جنبش زنان بیابد. تمامی مباحث در جنبش زنان نشان می دهد که تا آنجا که به جنبه نظری بر می گردد گرایش سوسیالیستی در این جنبش بسیار قوی و قدرتمند است اما در تعیین پیشرویهای عملی جنبش زنان دارای سهم و نقشی که متناسب با قدرت تئوریکش باشد، نیست. قدرت و نیروی نظری و تئوریک محافل فی الحال موجود سوسیالیستی در جنبش زنان تنها زمانی سهم سزاوار و شایسته خود را در تعیین سرنوشت جنبش زنان بدست می آورد که این قدرت نظری در تبیین و دفاع از یک استراتژی سوسیالیستی بکار گرفته شود. درست همانند مباحث تئوریک و نظری در جنبش کارگری و جنبش دانشجویی در چند ساله گذشته که همگی در خدمت تبیین، بیان و دفاع از یک استراتژی واقع گرایانه و کارساز سوسیالیستی در این جنبش ها شد، در جنبش زنان نیز موقعیت ضعیف یا قوی گرایش سوسیالیسم کارگری در نهایت به حد و درجه ای باشد که این جنبش استراتژی این گرایش را برای پیشروی عملی خود در راه کسب مطالباتش بر می گزیند و لذا هم موفقیت و هم موانع پیشروی آن برای همگان قابل مشاهده، نقد و ارزیابی است. *

ادامه دارد

گذاری سوسیالیستی در این جنبشها در گرو نقد لیبرالیسم هم از نظر عقیدتی و هم از نظر استراتژی معینی بود که برای هر یک از این جنبشها مطرح میکرد. در قسمت های قبل روندی که دو جنبش کارگری و دانشجویی طی کردند تا یک استراتژی سوسیالیستی در آنها دست بالا پیدا کند به اختصار بیان شد. چنین روندی باید در جنبش زنان نیز طی شود و استراتژی سوسیالیستی در جنبش زنان تبیین شود، قوی گردد و دست بالا پیدا کند. طی چند ساله گذشته استراتژی لیبرالیسم و سوسیال دمکراسی در جنبش کارگری و دانشجویی به عقب رانده شده و استراتژی گرایش سوسیالیسم کارگری در آنها دست بالا یافته است اما استراتژی لیبرالی هنوز بر جنبش زنان کماکان سلطه دارد.

یک استراتژی طبقاتی و سوسیالیستی بدون دست بالا یافتن در جنبش زنان و یا حداقل عروج آن بعنوان یکی از دو شاخه اصلی در جنبش زنان هنوز کامل نیست. تنها یک جنبش کارگری که بر اساس یک استراتژی سوسیالیستی دیگر جنبشهای اجتماعی را نیز در کنار خود داشته باشد، یعنی بگونه ای که هر یک از این جنبشها در عین اینکه برای مطالبات خود مستقیماً مبارزه می کنند بر مبنای یک استراتژی واحد بخش های مختلف یک جنبش طبقاتی و سوسیالیستی را شکل دهند امکان و قدرت دستیابی به وسیع ترین آزادیهای فردی و اجتماعی و الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و لغو کار مزدی را دارد. کنفرانس ششم بر ضعف گرایش سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان انگشت نهاد و لزوم شروع اقداماتی برای رفع آن را ضروری دانست. حتی همین که سودابه مهاجر بحث بر سر جنبش زنان و کمپین یک میلیون امضا را در یک سمینار جانبی ارائه داد و نه در جلسه رسمی و برای تصویب اسنادی که بیانگر مواضع

آغاز پایان دوره عدم تشکل!

را به این لشکر رزمنده طبقه کارگر ایران تبریک گفته و عزمشان را می ستایم.

کارگران نیشکر هفت تپه در مدت یک سال و نیم مبارزه اخیرشان بارها مورد هجوم و ضرب و شتم نیروهای سرکوبگر امنیتی قرار گرفته و زخمی شدند، با ماشین های نظامی و غیره به میان صفوف تظاهرات و متینگ های شان رانند، کپسولهای گاز خفه کننده و گاز اشک آور به سوی صفوف تظاهراتشان که در آن کودکان خردسالشان را هم به همراه داشتند، پرتاب نمودند. نمایندگان شان را بازداشت و زندانی و شکنجه نمودند و تهدید به مرگشان کردند. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی با قنداق تفنگ از آنها و خانواده ها و مردم پشتیبان شان پذیرائی نمودند. حقوق شان را ندادند تا آنها را در مضیقه مالی قرار دهند. ولی کارگران شعار دادند که کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم، زندگی شایسته حق ماست، تشکل کارگری حق ماست، کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد. آری در چنین اوضاع و احوالی کارگران و خانواده های مقاوم شان از پای ننشستند و مبارزه کردند تا ایجاد تشکل کارگری را به سرمایه داران و دولت سرکوبگرشان تحمیل نمودند. این همه استقامت و شهامت کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده هایشان جای قدردانی و ستایش دارد.

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که در این مدت به مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه یاری رسانده و از مبارزات آنها مانند دیگر تشکلات کارگری با دل و جان حمایت

نموده است. در پیام تبریک خود به کارگران هفت تپه جو و فضای کارخانه مزبور را چنین توصیف میکند:

"نیروز فضای کارخانه نیشکر هفت تپه سراسر اشتیاق برای برگزاری این انتخابات پر شور بود. کارگران این واحد تولیدی بالاخره و پس از ماه ها مبارزات خستگی ناپذیر به رغم تهدیدات مکرر مدیریت و حراست کارخانه و همچنین تهدید و ارباب نهاد های امنیتی که آنان را از تشکیل چنین تشکلی برحذر داشته بودند، طعم شیرین تولد تشکل مستقل خویش را چشیدند!"

کارگران هفت تپه با به وجود آوردن سندیکای کارگری، جنبش طبقه کارگر در ایران را یک گام مهم و اساسی به جلو بردند. ایجاد تشکلات کارگری با ماهیت و سیاست ستیز طبقاتی به نیروی کارگران و بدون مجوز از سرمایه داران و حکومت شان بعنوان یک وسیله مؤثر مبارزاتی و مبارزه برای قبولاندن و برسمیت شناساندن آن به و از طرف کارفرمایان و دولت شان، می تواند نه فقط برای کل طبقه کارگر ایران بلکه برای کل مردم زحمتکش و جنبش های اجتماعی مترقی و پیشرومانند جنبش زنان و دانشجویان به یکی از اساسی ترین معضلات موجود در جامعه ایران پایان دهد. زیرا وجود و پایداری تشکل بعنوان وسیله پیشبرد مبارزه طبقاتی و نه ایجاد صلح طبقاتی قادر و ناگزیر است، خفقان سیاسی رژیم حاکم سرمایه ی اسلامی را عقب رانده و جوی دموکراتیک و آزاد ایجاد نماید تا در چنین فضائی طبقه کارگر و دیگر رنج دیدگان بتوانند اجتماعات و سازمانها و ارگانهای مبارزاتی خویش را به وجود آورند و خود را برای یک زندگی شایسته انسان آماده نمایند. این آن علت و عامل اساسی است که شور و شوق تولید شده در میان فعالین کارگری و پیام

های تبریک تشکل های کارگری و دانشجویی و کارگران مراکز دیگر کارگری مانند ایران خودرو و غیره را به کارگران هفت تپه با شنیدن خبر بازگشائی تشکل کارگری شان را توضیح می دهد.

هنیت موسس سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در قسمتی از اطلاعیه ای که بمناسبت برگزاری موفقیت آمیز انتخابات و انتخاب نمایندگان هنیت مدیره سندیکا در روز چهارشنبه یکم آبان ماه ۱۳۸۷ منتشر نموده است، جو شرکت را در روز انتخابات چنین توصیف می کند:

"صبح امروز با ورود کارگران در حالی که خود را برای شرکت در انتخابات آماده می کردند با بخش نامه مسئولین کارخانه که آنان را از شرکت در انتخابات منع می کرد و انتخابات را منوط به دستور و اجازه اداره کار می دانست مواجه شدند."

در جای دیگری از این اطلاعیه کوتاه چنین می خوانیم:

"در طی مدت رأی گیری نیروهای امنیتی حضور پررنگی داشتند..."

اما با وجود ایجاد چنین موانع و جو وحشت انگیز و غیر انسانی که برای این کارگران، مدیران نوکر سرمایه داران و نیروهای حامی و پاسدارشان آفریده بودند، فقط در مدت ۴ ساعت، با ۴ صندوق و آنهم فقط در یک شیفت و در شرکتی که ۲۴ الی ۲۵ هزار هکتار زمین کشاورزی دارد و کارگران در آنها به طور پراکنده کار می کنند، بیش از هزار نفر در این رأی گیری شرکت میکنند. این خود هم آگاهی از ضرورت و درک لزومیت تشکل کارگری نزد این بخش از طبقه کارگر ایران را می رساند. و هم مهمتر از هر چیز دیگر آگاهی یافتن کارگر از نیروی طبقاتی اش را گواهی می دهد. در عمل

کارگران، مقاومت در برابر تعرض کارفرما و تقویت وحدت، همیاری و همبستگی کارگری، دفاع از منافع اصلی سیاسی و اجتماعی کارگران، دفاع از دست آوردهای کارگران و تلاش برای بهبود شرایط کار، تنظیم روابط کاری رابعهده دارد، برای از بین بردن نظام طبقاتی و هر گونه سازماندهی کار که بر اساس استثمار بنا شده است، مبارزه می کند. در ایران به طور مشخص با تجاوزات و تعرضات کارفرمایان و دولت واحزاب و سازمانهای دینی و سیاسی و برای بهبود زندگی کارگران و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران مبارزه می کند. مبارزه با رقابت کارگران در میان خود و تحکیم وحدت بین آنها، مبارزه برای بستن پیمانهای دسته جمعی بین کارگران و کارفرمایان، تلاش برای دخالت دادن نماینده کارگران برای تعیین حداقل دستمزد، تلاش برای بازرسی کارگری در امور شرکت و دخالت کارگران برای تدوین قانون کار، تلاش و مبارزه بر ضد بیکار کردن کارگران و گسترش آزادیهای سیاسی و دموکراتیک در جامعه، تلاش برای برابری زن و مرد، مبارزه باتبعیض های دینی، ملی-قومی و جنسی، می باشند. " ۲

آری چنین تشکلی با چنین اهدافی را فقط و فقط بانیروی کارگران و همیاری دیگر اقشار زحمتکش می توان به وجود آورد، همانطوری که این کارگران به وجود آوردند. تشکلات کارگری با چنین اهداف و استراتژی و سیاستی برای اینکه خود را بر کارفرمایان و دولت حامی شان تحمیل کنند. برای اینکه شاداب و زنده بمانند. برای اینکه

در روز انتخابات و تصویب اساسنامه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران مورد یورش و هجوم گله های حزب الهی خانه کارگریها و شوراهای اسلامی کاربه همراه نیروهای انتظامی با سلاحهای قتاله سرد و گرم مانندچاقو و پنجه بوکس و زنجیر و اسلحه قرار گرفتند که منجر به زخمی شدن و حتی زبان بریدن هم شد. این یورش وحشیانه را ما در دانشگاهها و در مورد معلمان و دیگر اقشار نیز شاهد بوده ایم. زیرا که کارگران و زحمتکشان در وجود تشکل خویش وسیله متحد کننده نیروی مبارزاتی شان را برای رسیدن به یک زندگی انسانی و بر علیه سرمایه داران و دولت می بینند و از سوی دیگر آگاهی و اتحاد کارگران یعنی مرگ سیستم استثمار سرمایه داری که این بمثابة تیری است که به قلب سرمایه داران زالوصفت، طمع کار سود پرست و حامیانشان فرو می رود.

کوروش یکی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در مصاحبه با رادیو شبکه زنان در استکهلم، پس از اینکه اشاره می کند، پس از یک سال و نیم مبارزه و مراجعات مکرر به مسئولین کارخانه و ادارات دولتی و با ممانعت و نمی شود نمی شود آنها روبرو شدیم. به این نتیجه رسیدیم که تشکل خود را با پشتوانه کارگری که داشتیم به وجود آوریم. او در مورد اهداف سندیکای کارگران شرکت هفت تپه چنین میگوید: تشکل مستقل کارگری پشتوانه اش فقط کارگرها هستند، چون که نماینده کارگران است. سندیکا با پشتوانه کارگران اهدافش را پیش می برد. اهداف سندیکا: سندیکا سازمان صنفی

کارگران نیشکر هفت تپه نشان دادند که اگر طبقه کارگر اراده واحدی داشته باشد. اگر کارگران متحدانه و مصممانه پای اجراء تصمیمی بروند، هیچ نیروی توانائی جلوگیری کارگران ندارد. کارگران دیگر مراکز کارگری نیز می توانند این عمل متحدانه همطبقه ایهایشان را سرمشق قرار داده و برای ایجاد تشکل های توده ای طبقاتی شان قدم بردارند و بدانند که با پشتوانه نیروی کارگران قادر هستند تشکل کارگری به وجود آورند و بابه کار گیری آن بعنوان یک وسیله ی نیرومند برای رسیدن به خواست های انسانی و کارگری شان و برای مبارزه با کارفرمایان و دولت آنها استفاده کنند. به نظر می رسد که این آن حلقه اصلی است که کارگران با بدست گیری آن و با بکار گیری استراتژی سوسیالیسم کارگری می توانند به دوره عدم تشکل در ایران پایان دهند.

حقیقتاً، فضا و جو کارخانه نیشکر در این روز بیان کننده یک واقعیت زنده و مهم در جامعه ایران است. از یکطرف کارگرانی را داریم که با وجود فشار های اقتصادی- سیاسی و اجتماعی که برگرده شان سنگینی می کند، با شور و شوق خود را برای شرکت در انتخابات نمایندگان شان آماده کرده و در انتخابات شرکت می کنند. از سوی دیگر شاهد دست پاچه شدن و به ریشه افتادن و شروع به تهدید نمودن و پخش اطلاعیه سرمایه داران و مسئولین شرکت و به رخ کشیدن و رژه نیروهای سرکوبگرشان برای ترساندن کارگران و شرکت نکردن در انتخابات می باشیم. این را ما در این چند ساله در زمانها و مکان های مختلف شاهد بوده ایم. مثلاً



کارگران خودرو سازیه‌ها و کارگران معادن و غیره با استفاده از تجربیات تاریخی طبقه خود و بویژه با درسگیری از مبارزه قهرمانانه کارگران نیشکر هفت تپه و با ایجاد تشکلات طبقاتی خویش در محیط‌های کاری و... و از بهم پیوستن آنها به تشکل سراسری خود برای پیشبرد مبارزه طبقاتی اش بر علیه طبقه سرمایه دار و دولتش نائل شود. وجود طبقه کارگر آگاه، متحد و متشکل در تشکلات توده ای و حزبی اش ضامن جلوگیری از به قهقرا رفتن جامعه و تغییر اساسی و بنیادی آن و رفتن به سوی یک جامعه بدون طبقه، بدون استثمار و بدون دولت و... است.

۳. مصاحبه با رضا مقدم به پیش! ۳۳، شنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۷، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۸

اصفهان مورد بازرسی قرار گرفته و کلیه دست‌نوشته‌های وی که در رابطه با مسائل کارگری بود توسط ما مورین اداره اطلاعات اصفهان جمع‌آوری گردید.

وی نزدیک به ۵ ماه است که دستگیر شده و با توجه به اعتراضات انجام گرفته در رابطه با آزادی بی‌فید و شرط و فوری وی امروز در غیاب وکیل ایشان حکم صادره ابلاغ و افشین شمس به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

ما هر گونه دادگاهی کردن فعالین کارگری را به شدت محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌فید و شرط افشین شمس هستیم.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری"
۱۱ آبان ماه ۸۷

جامعه ایران کمک می‌کند.

"بر این اساس مبارزه برای ایجاد تشکلهای طبقاتی کارگری محور یک استراتژی سوسیالیستی است که کارگر متشکل در محور آن قرار دارد هم برای دستیابی به ابتدایی‌ترین مطالبات روز کارگران و هم برای برقراری آزادیهای دمکراتیک که تازه فضا را برای دیگر جنبشهای اجتماعی فراهم می‌آورد تا به میدان بیایند و برای دستیابی به خواستههایشان قاطعانه مبارزه کنند و نهایتاً در کنار و با اتحاد با تشکلهای کارگری راه را برای تغییرات بنیادی کل جامعه فراهم سازند." ۳

چنین تشکلاتی شایسته وزینده طبقه کارگر ایران هستند. با امید به اینکه دیگر بخش‌های طبقه کارگر ایران و بویژه کارگران نفت و پتروشیمی،

شاداب و زنده بمانند. برای اینکه کارگران دیگر را برای ایجاد چنین تشکلاتی یاری و مساعدت نمایند و سرمشق باشند. اولاً نیازمند به بسیج و پشتیبانی کارگران هستند. دوماً برای اینکه بتوانند کارگران را بسیج، متحد و سازماندهی کنند، می‌باید به خواست‌های توده کارگر متکی شوند و برای برآوردن آنها، به ناگزیر باید برای آزادی اعتصاب، داشتن نشریه و ارگان، حق مجمع عمومی کارگران، آزادی اجتماعات، آزادی بیان و کلاً آزادیهای سیاسی، اجتماعی و دمکراتیک در جامعه مبارزه کنند. از این روی است که مبارزه برای ایجاد تشکلات طبقاتی کارگری به مبارزه همه افشار خواهان آزادیهای دمکراتیک و داشتن تشکل در

حکم زندان افشین شمس را محکوم نمائید و خواستار آزادیش شوید

سرانجام افشین شمس را که رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۷ به جرم فعالیت در راه آگاه نمودن کارگران و کوشش برای متشکل شدن کارگران دستگیر و زندانی کرده بود، توسط بیدادگانش به یک سال زندان محکوم کرد. نشریه به پیش! ضمن محکومیت احکام این چنینی برای فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی، خواستار آزادی بدون قید و شرط افشین و دیگر فعالین بوده و توجه شما را به اطلاعیه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در این رابطه جلب می‌کند.
به پیش!

افشین شمس فعال کارگری
به یک سال زندان محکوم
شد!!

منبع سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

امروز شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۸۷ حکم صادر شده توسط دادگاه به افشین شمس ابلاغ گردید.

قاضی پرونده، افشین شمس را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد. لازم به ذکر است که صدور حکم فوق در غیاب وکیل ایشان آقای محمد شریف به افشین شمس ابلاغ گردیده است.

افشین شمس، فعال کارگری و عضو فعال "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" و عضو کانون کاریکاتورپرست‌ها، به دلیل فعالیت‌های کارگری و دفاع از حقوق کارگران در محل کار خود در شهرستان الیگودرز در تاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۷ دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان شد.

چند روز بعد منزل پدری وی در

تبریک نشریه به پیش! به کارگران هفت بمناسبت انتخاب هیئت مدیره سندیکا

روز چهارشنبه یک آبان ماه کارگران شرکت نیشکر هفت برخلاف اطلاعیه مدیریت شرکت که کارگران را از شرکت در رأی دادن برای انتخاب هیئت مدیره سندیکای کارگريشان برحذر می داشت، با شور و شوق هیئت مدیره خود را انتخاب کردند و تشکل کارگريشان را ایجاد نمودند. تجربه و عمل کارگران هفت تپه بار دیگر اثبات این نکته بود که ایجاد تشکل طبقاتی کارگری را فقط می توان با تکیه بر نیروی کارگران و بدون مجوز کارفرما و دولت پیش برد و طعم شیرین داشتن تشکل را چشید. نشریه به پیش! ضمن شریک شدن در شادی طبقه کارگرایران و تبریک به کارگران مبارز و قهرمان هفت تپه و خانواده های این عزیزان که بار نداری و زجر و زخم قنذاق تفنگ مزدوران سرمایه را تحمل کردند و جنگیدند، توجه شما خوانندگان عزیز را به چند اطلاعیه و در این رابطه جلب می کند.

اطلاعیه در رابطه با انتخابات نمایندگان سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

منبع وبلاگ سندیکای کارگران
نیشکر هفت تپه

<http://7tapeh.blogfa.com/>

صبح امروز با ورود کارگران در حالی که خود را برای شرکت در انتخابات آماده می کردند با بخش نامه مسئولین کارخانه که آنان را از شرکت در

انتخابات منع می کرد و انتخابات را منوط به دستور و اجازه اداره کار می دانست مواجه شدند.

انتخابات در ساعت ۸ صبح آغاز و تا ساعت ۱۲ ادامه داشت. در کنار هر صندوق چهار ناظر از بخش کشاورزی و کارخانه حضور داشتند و پس از آن صندوق ها به مکانی دیگر منتقل و توسط ناظرین شمارش شد.

لازم به ذکر است با وجود مدت کم برای رای گیری (حدود چهار ساعت) و موانع ایجاد شده و جو موجود در کارخانه بیش از هزار نفر از کارگران در این رای گیری شرکت کردند.

در طی مدت رای گیری نیروهای امنیتی حضور پررنگی داشتند اما برخورد خاصی صورت نگرفت.

در این انتخابات اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل انتخاب شدند:

۱- فریدون نیکوفرد ۹۱۹ رای ۲- نجات دهلی ۶۶۷ رای ۳- علی نجاتی ۵۷۸ رای ۴- رحیم بسحاق ۵۴۰ رای ۵- جلیل احمدی ۳۹۸ رای ۶- علی شریفی ۳۹۴ رای ۷- رضا رخشان ۳۵۲ رای ۸- محمد حیدری مهر ۳۰۲ رای ۹- قربان علی پور ۲۸۷ رای

با پیگیری ها و تلاش کارگران انتخابات با نظم کامل و عادلانه برگزار شد.

گزارش تکمیلی و اسامی اعضای البدل به زودی اعلام خواهد شد.

هیئت موسس سندیکای کارگران
شرکت نیشکر هفت تپه
چهارشنبه یکم آبان ماه ۱۳۸۷

تبریک به کارگران هفت
تپه انتخابات سندیکای
شرکت نیشکر هفت تپه
با موفقیت برگزار شد
منبع سایت کمیته هماهنگی

برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

روز چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۸۷ اولین انتخابات سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه ، با شرکت اکثریت مطلق کارگران از بخشهای کشاورزی و تولید با موفقیت برگزار شد .

دیروز فضای کارخانه نیشکر هفت تپه سراسر اشتیاق برای برگزاری این انتخابات پر شور بود . کارگران این واحد تولیدی بالاخره و پس از ماه ها مبارزات خستگی ناپذیر به رغم تهدیدات مکرر مدیریت و حراست کارخانه و همچنین تهدید و ارباب نهاد های امنیتی که آنان را از تشکیل چنین تشکلی برحذر داشته بودند ، طعم شیرین تولد تشکل مستقل خویش را چشیدند .

ما اعضای کمیته هماهنگی این پیروزی بزرگ را به کارگران هفت تپه و فعالین جنبش کارگری تبریک گفته و آرزومند سرفرازی بیش از پیش جنبش کارگری در عرصه مبارزات کارگری هستیم .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل های کارگری

۲/۸/۸۷

جمعی از کارگران ایران خودرو :

انتخابات پیروز مندانه
کارگران هفت تپه را به
همه کارگران زحمتکش
تبریک می گوئیم

منبع سایت خانه کارگر آزاد

دوستان و همکاران گرامی
سرانجام رویای کارگران نیشکر هفت
تپه



منبع سایت خانه کارگر آزاد
۲۹ اکتبر ۲۰۰۸

به سندیکای کارگران شرکت
نیشکر هفت تپه

بنماینده از ۵۶ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، من این پیام را مینویسم که به شما بخاطر انتخابات موفقیت آمیز هیئت مدیره و دیگر نمایندگان سندیکا برای نخستین بار پس از بیش از دو دهه تبریک بگویم. میخواهم از شما بخاطر تلاش شجاعانه در ایجاد یک تشکل مستقل کارگری قدرانی کنم. ما حمایت و همبستگی خود را به شما اعلام میکنیم.

ما این پیام را همچنین برای دولت ایران ارسال میکنیم و از دولت میخواهیم که حقوق کارگران مبنی بر حق تشکل، اجتماع و اعتصاب را محترم بدارد، و به ایذا و اذیت فعالین کارگری خاتمه دهد و از دخالت در امور و فعالیتهای تشکلات مستقل کارگری خودداری نماید.

در همبستگی،

دنيس ليميلين،

رئيس سراسری

اتحادیه کارگران پست کانادا

این مصاحبه در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۰۸ انجام گرفته و هم اکنون روی سایت شبکه زنان وجود دارد. این متن بوسیله به پیش! پیاده و ادیت شده است. به پیش! مسئولیت لغزشهای احیانا موجود در متن پیاده شده را می پذیرد.

**متن مصاحبه رادیو
صدای زنان با کورش
از کارگران نیشکر هفت
تپه**

س: می خواستم در رابطه با برگزاری انتخابات با شما صحبت کنم. این

پیام تبریک به مناسبت برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

منبع سایت سندیکای کارگران
شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
و حومه

خبر مسرت بخش برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه تمامی کارگران ایران و جهان را شاد و شادمان گردانید. بنا به گزارشات رسیده از خوزستان بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه با شور و ذوق در مجمع عمومی حضور یافته و بعد از تصویب اساسنامه اعضای هیئت مدیره را به عنوان نمایندگان واقعی خود انتخاب کردند بی تردید انتخابات این سندیکا یکی از خواسته های اصلی کارگران برای به اجرا گذاشتن مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ می باشد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه انتخاب اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را به تمامی کارگران سختکوش و منتخبین کارگران هفت تپه، تبریک گفته و توفیق در راهشان را آرزومند است

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۸۷/۸/۱

**پیام تبریک و همبستگی
اتحادیه کارگران پست
کانادا به
سندیکای کارگران
شرکت نیشکر هفت تپه**

تپه به واقعیت پیوست روز چهارشنبه اول آبان ماه، کارگران هفت تپهبار دیگر مصممانه و یکپارچه جهت بدست آوردن مطالبات خود، نمایندگان شان را انتخاب کردند و سندیکای خود را ایجاد کردند و نشان دادند که تنها در اتحاد و یکپارچگی می توانند با مبارزه ای پیگیر به خواسته های خود برسند

همکاران ودوستان کارگر
کارگران هفت تپه نشان دادند مبارزه بدون تشکل سرانجامی نخواهد داشت. وتشکل بدون حمایت و دخالت خود کارگران موفق نخواهد بود. برای همین کارگران هفت تپه با آگاهی از این علم برای ادامه مبارزات شان به یکی از خواسته های خود همان تشکل است دست یافتند. و مطمئنا ادامه حیات و سلامت تشکل در گرو ادامه مبارزه کارگران و دخالت آنها در درون تشکل خواهد بود. ما کارگران ایران بخصوص کارگران ایران خودرو نیز باید بدانیم که برای تداوم مبارزه برای رسیدن به خواسته هایمان چاره ای جز تشکیلات نداریم باید باور کنیم که ما نیز می توانیم همانطوریکه کارگران شرکت واحد و اینک کارگران هفت تپه توانستند تشکل خود را ایجاد کنند.

دوستان فعل توانستن فقط با خواستن صرف می شود. کارگران هفت تپه این خواستن را عملی کردند پس ما نیز می توانیم

ما این موفقیت و این پیروزی، یعنی تشکیل سندیکای کارگران هفت تپه، را بر تمامی کارگران ایران به خصوص به کارگران زحمتکش هفت تپه تبریک می گوئیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

زنده باد مبارزات کارگران هفت تپه

جمعی از کارگران ایران خودرو

پنجم آبان ۱۳۸۷



بازرس هستند و در آینده وظایف بیشتر مشخص میشود.

س: آقای کورش همگان اطلاع دارند که کارگران هفت تپه از چه سختیهای گذشته اند با چه مشکلاتی روبرو شدند. و با نیروی متشکل و اتکاء به مبارزات خودشان توانستند تشکل مستقل خودشان را ایجاد کنند. و انطوریکه توضیح دادید. امروز بیشتر تشکلات کارگری خود بر انتخابات نظارت داشتند تا کسانی دیگر؟

ج: بله بله کاملاً

آقای کوروش در این رابطه آیا از طرف دیگران مزاحمتی برای شما ایجاد شد؟ از طرف دفتر حراست، نیروی انتظامی یا کسان دیگر؟

ج: حقیقتاً بطور مستقیم، در طول یک ماه که ما بطور مرتب مکاتبات و جلساتی داشتیم، آنها فقط بطور شفاهی می گفتند نمی شود و بر خورد می شود. اما حقیقتاً هیچ برخوردی نشد. ولی روز انتخابات و یا یک روز قبل از طرف مدیریت شرکت بخشنامه کرده بودند که باید زیر نظر اداره کار این انتخابات انجام شود. و کاندیداهای ما از طریق اداره کار تأیید صلاحیت شوند. و اگر بر خلاف تصمیم گیری اداره کار انجام شود، یعنی بازرسین اداره کار بر آن نظارت نداشته باشند، این انتخابات صلاحیت نخواهد داشت و قانونی نخواهد بود. اما کارگران علیرغم این حرفها توجه نکردند و گفتند اینکه باید کاندیداها از طرف اداره کار و مسئولین تأیید صلاحیت شوند قدیمی شده است. کارگران باید خودشان مستقیماً اقدام نمایند. و معتقد بودند که باید کارگر نماینده خودش را خودش انتخاب کند و حمایت نماید. و ما هم تنها حامی که داریم در رابطه با تشکل خودما، فقط قدرت و نیروی کارگران است که پشتوانه

صندوق در بیرون شرکت همان محدوده کشاورزی که نمی دانم چقدر اطلاع دارید. شرکت نیشکر هفت تپه در حدود ۲۴ یا ۲۵ هکتار زمین دارد که زیر نظر نیشکر هفت تپه هستند. که هر ساله بیش از ده هزار هکتار حالا بیش و یا کم کشت میشد. متأسفانه از سال ۸۲ و ۸۳ به این طرف ما با رکود شدید کشت روبرو هستیم خوب به حاشیه نرویم. انتخابات ما در اول آبانماه با چهار صندوق شروع شد. شروع انتخابات از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر طول کشید. و کارگران استقبال بسیار فوق العاده ای نمودند که نشانه آگاهی کارگران از حقوق کارگری و حقوق سندیکائی شان بود. من بعنوان یک کارگرو بعنوان یک کارگر خورستانی شاغل در نیشکر هفت تپه جداً این موفقیت را به جامعه کارگری و بچه های نیشکر هفت تپه تبریک می گویم

انتخابات ما چهار ساعت طول کشید. و بعد از چهار ساعت بین ساعت ۱۲ - ۳۰:۱۲ ما صندوقها را توسط دوستان به یک محوطه بیرون از شرکت اما در محدوده شرکت بردیم. و رایها را شمردیم. ما که کاندید بودیم حضور داشتیم ولی صندوقها و شمارش آرا به وسیله چند تا دوستان که از تهران بودند، از آنها تقاضا کرده بودیم بیایند و بعنوان ناظر باشند. دوستانی از کمیته هماهنگی و کمیته حمایت از تشکلهای کارگری از تهران و تعدادی از دوستان شاغل در نیشکر هفت تپه که نقش ناظر را داشتند. انجام گرفت. شمارش تا حدود ساعت شش بعد اظهر طول کشید. بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در این رای گیری شرکت کردند. و دوباره می گویم این موفقیت باعث خوشحالی من بعنوان یک کارگر سندیکایی هفت تپه است. هیبت مدیره ۹ نفر انتخاب شدند ۵ نفر بعنوان عضو علی البدل و ۲ نفر از آنها به عنوان

انتخابات چطور برگزار شد چند نفر شرکت کردند؟ اصلاً مزاحمتان شدند و یا نشدند؟

ج: با تشکر از شما. همانطور که خیلی از دوستان در جریان اتحادیه یا همان تشکل کارگری و یا اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه هستند. ما در حدود یکسال و نیم است که بدنبال تشکل آزاد هستیم، تشکلی کاملاً صنفی و بشکل سندیکایی. بارها مکاتباتی با مسئولین شوش، مسئولین امنیتی و مسئولین اداره کار استان داشته ایم ولی متأسفانه هیچ موقع جواب مثبت و قانع کننده ای در رابطه با این تشکل آزاد و خواسته کارکنان نیشکر هفت تپه بما ندادند. و جوابشان این بود که امکانش نیست و مصلحت نیست.

در صورتی که یک مصوبه ایی از مجلس جمهوری اسلامی داشتیم، مصوبه سال ۶۹ تشکلات آزادکاری سندیکا یا انجمن صنفی یا اتحادیه آزاد هستند. و کارگران می توانند تشکلهای خود را ایجاد نمایند. ولی نمی دانیم به چه دلیل این مصوبه مسکوت مانده بود اما ما آن را پیدا کردیم و همراه چندین نامه به مسئولین اداره کار جمهوری اسلامی ارایه دادیم. اما اداره کار قبول نکرد و تا آنجایی که اطلاع داری جمهوری اسلامی و سازمان جهانی کار این مصوبه را امضاء کرده اند و تقبل نموده اند آن را انجام بدهند. و مانعی در سر راه کارگران ایجاد ننمایند.

بهر حال ما به این نتیجه رسیدیم، که ما این تشکل کارگری را با پشتوانه کارگری که داریم باید انجام بدهیم. و خوشبختانه در اول آبان ماه توانیستم با حمایت کارگران تشکل خودمان یا همان انتخابات را با برگزاری آراء در چهار صندوق انجام دهیم. دو صندوق در محوطه صنعتی شرکت بود و دو



سندیکا است. ما کارگران باید بتوانیم خواسته‌ها و حق و حقوق خود را پیش ببریم.

من از استقبالی که از طرف کارگران در انتخابات این سندیکا شد بسیار خوشحالم.

و امیدوارم با تلاش خود کارگران و با پشتوانه خودشان حقوق از دست رفته مان را بدست آوریم.

س: بله آقای کورش همانطوریکه شما تعریف کردی این سندیکا به نیروی مستقل خود کارگران ایجاد شده است. امیدوارم که بتواند اهدافش را پیش ببرد. و تجارب نشان میدهد هر چقدر کارگران به نیروی خودشان اتکاء کنند و متحد تر به میدان بیانند. و به دولت و کارفرما اکتفا نکنند دستاوردهای بیشتری خواهند داشت.

شما فکر می کنید خود سندیکا چه برنامه های تنظیم کرده است که بتواند کارگران هفت تپه را به خواسته های خودشان برساند.

ج: همانطور که گفتم تشکل مستقل کارگری پشتوانه اش نیروی خود کارگر است. زیرا نماینده کارگر است. نمیدانم چرا مسیولین با چنین کار قانونی مخالف هستند و شانه خالی می کنند. و نمیخواهند این تشکل ایجاد شود. البته این دلایل خاص خودش را دارد و من نمی خواهم اینجا به وارد آنها شوم.

اهدافی که ما داریم بعنوان یک سندیکای کارگری دنبال می کنیم و می خواهیم کارگران با پشتوانه کارگری خود حق و حقوق خود را بدست بیاورند.

سندیکا بعنوان سازمان صنفی کارگری، مقاومت در مقابل کارفرما و تقویت و همیاری و همبستگی هر چه بیشتر کارگران، وحدت در بین کارگران و دفاع از منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها در کسب دستاوردهای

کارگری.

تلاش برای بهبود دائم وضع زندگی و شرایط کار کارگران و نظارت بر مقررات و روابط کار را بعهدہ دارد و می تواند امر سازماندهی کارگری و مبارزه بر علیه هر گونه نظام استثماری و هر گونه سازماندهی کار که به نظام طبقاتی و استثماری منجر شود بعهدہ بگیرد و تا سر انجام آن به مبارزه خود ادامه دهد.

در ایران می توانیم سندیکا ایجاد کنیم مستقل از کارفرما- کارفرمای خصوصی یا دولتی و کارفرمای بزرگ و یا کوچک باشد. و این سندیکا به مقابله با تعرض کارفرماها و تمام نهادهای دولتی-سیاسی و دینی برخیزد. و همچنین این سندیکا به مبارزه برای بهبود شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی کارگران، رفع رقابت بین کارگران و کمک به تحکیم وحدت و یکپارچگی بین آنها برخاسته و در ضمن به مبارزه برای بستن پیمانهای دسته جمعی بین کارگران و کارفرمایان دست زده و تلاش نماید نماینده کارگران در تعیین حداقل دستمزد خود نقش اساسی و تعیین کننده ای داشته باشند. و تلاش برای برقراری بازرسی برای شرکت و دخالت کارگران در تبیین قانون کار، تلاش برای ضد بیکار کردن کارگران، گسترش آزادیهای سیاسی و دمکراتیک در جامعه، برای برابری زن و مرد، رفع تبعیضهای جنسی و مذهبی و ملی و قومی از وظایف دیگر سندیکا میباشد. و ما تلاش داریم حداقل این خواسته ها را با پشتوانه خود کارگران و پشتوانه سایر سندیکاها و اتحادیه های فعال در ایران و جهان به سر انجام برسانیم.

س: آقای کوروش خیلی ممنون. شما یک نکته ای در بحثتان بود به آن می پردازم در ضمن یکی دوتا پرسش داشتم.

آیا آن کارخانه هایی که در کنار

کارخانه ی نیشکر هفت تپه وجود دارند مانند کارخانه های کاغذ و غیره و ذالک، آنها از تشکیل سندیکا پشتیبانی کردند و یا تاثیری روی حرکت آنها داشته است یا نه؟

ج: تا حالا حقیقتاً عکس العملی از آنها ندیده ایم یعنی من ندیدم، از جمله کارخانه های کاغذ سازی پارسا یا کارون و یا شرکتهای دیگر. ولی دوستان صحبت هائی کردند که در شهرستان اندیشک دوستانی هستند در شهرداری و شرکت پتروشیمی در این مورد صحبت‌هایی نموده اند و از ما خواسته اند که آنها را در ارتباط با ایجاد تشکلهای سندیکایی راهنمایی نمایم.

البته ما تجارب زیادی نداریم اما هر چه داریم و می دانیم می توانیم با هم هماهنگ کنیم و مشاوره نمایم و امیدوارم نتیجه خوبی بدهد. البته تا حالا هیچکس رسماً حمایت زیادی نکرده است. منظورم از همان اطراف خودمان کاغذسازی پارسا شرکت کارون و طرحهای امیر کبیر و یا حتی در خوزستان و یا اگر حمایتی کرده اند و از آنجاییکه ما خود مشغله زیادی داریم. نتوانسته ایم به آن بپردازیم. الان متأسفانه، من حدود ده بیست روز است که اینترنت من قطع است و هیچگونه ارتباط بیرونی ندارم. امیدواریم سایر شرکتها به این نتیجه برسند که سندیکا داشته باشند و کارگر بتواند نماینده خودش را انتخاب کند.

س: آقای کوروش شما در توضیحاتتان اشاره ای به برابری زن و مرد نمودی. من سوال داشتم و بر میگردم به نکته ای که باید مطرح کنم. آیا در نیشکر هفت تپه زنان هم کار می کنند؟

ج: بله بله در بخش کارمندی زنانی هستند که کار می کنند. زنانی داریم که در بخش اداری به عنوان منشی کار می



اعلام تجمع کارگران لاستیک البرز در مقابل نهاد ریاست جمهوری

<http://komitteyehamanghi.com/post33.htm>

طبق اخبار رسیده به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران شرکت لاستیک البرز اعلام کرده اند که دست به تجمع خواهند زد.

کارگران لاستیک البرز اعلام کرده اند که صبح روز دوشنبه مورخ ۲۰ آبان ۱۳۸۷، ساعت ۷ صبح در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع می کنند. لازم به ذکر است که این تجمع به دلیل محقق نشدن مطالبات کارگران لاستیک البرز و نیز عدم دریافت حقوق معوقه، صورت خواهد گرفت.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۹ آبان ۱۳۸۷

پیام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به کارگران کارخانه لاستیک البرز

<http://7tapeh.blogfa.com>

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پیامی به کارگران کارخانه "لاستیک البرز"، آورده است: درود بر شما، ما کارگران هفت تپه از تلاشهای بحق شما در راه بدست آوردن مطالبات بحق و قانونیتان حمایت میکنیم، امید است که در سایه اتحاد کارگران آن واحد تولیدی، پیروزی حاصل گردد.

به امید اتحاد کارگران ایران، سندیکای کشت و صنعت

نیشکر هفت تپه

کارگران لاستیک البرز که ماهها ست برای تحقق خواست هایشان تلاش و مبارزه می کنند، هم چنان به مبارزه خود برای برآورده شدن خواست هایشان ادامه می دهند. قابل ذکر است که در این مدت این کارگران بارها مورد هجوم نیروهای سرکوبگر قرار گرفته اند. حتی یک بار نیروهای حامی سرمایه با یورش خود، ۷۰ نفر از کارگران را دستگیر کرده و مورد ضرب و ستم شدید قرار دادند. و اما این کارگران که زندگی شان در خطر نابودی قرار گرفته است، هر روزه مبارزه خود را گسترده تر و رادیکالتر پیش می برند. به قول یکی از این کارگران در مصاحبه با خبرنگار یکی از خبرگزاریها در چندی قبل، "ما با مبارزه و اتحاد با کارگران دیگر کارخانه ها حقوقمان را از حلقوم سرمایه داران بیرون می کشیم." اکنون این امید غنچه داده است و از همطبقه ایهای متشکل شان یعنی کارگران نیشکر هفت پیام پشتیبانی را دریافت می دارند. به امید هر متحدتر و متشکل شدن کارگران ایران.

کردند و حضور فعال داشتند و از این حرکتها پشتیبانی کردند. آیا شما برنامه هایی دارید که زنان را در برنامه های سندیکا و تصمیم گیریها مشارکت بیشتری بدهید؟

ج: بله. دقیقاً در دستور کار داریم. من خودم شخصاً درست است کارگر هستم. اما معتقد و علاقمند هستم که زنان در حق سرنوشت خودشان باید دخالت کنند و شریک باشند. من خودم در اکثر مواقع خانم را در جلسات شرکت میدهم و ایشان منشی و رییس جلسه هستند. درست است ما کارگر هستیم اما ما آدمهای کاملاً دمکرات هستیم.

اگر نه زیاد ولی حدود ۵۰٪ از موفقیت ما کارگران شرکت هفت تپه، مدیون شرکت هم زنان شاغل و هم همسران رفقای کارگر هستیم. من بعنوان یکی از این کارگران باید بگویم ما مدیون این حرکت زنان هستیم که با ما همکاری کردند. علاوه بر این در جلسات هم شرکت میکردند. من به سهم خودم از آنها تشکر می نمایم. و امیدواریم روزی برسد که آنها هم به حق و حقوق خود برسند. که بطور واقعی حقوقشان ضایع شده است. امیدواریم این مشکلات حل شود.

س: شما گفتید که سندیکا در این زمینه برنامه هایی دارد. زنانی که مشارکت

کنند ما قبلاً حدود ۳۰ الی ۴۰ زن داشتیم که شاغل بودند در نیشکر هفت تپه اما بعلت طرح تعدیل نیرو قبل از موعود باز خرید و باز نشسته شدند. و الان در حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر زن شاغل داریم

س: آیا این تعداد از خواسته های شما حمایت کردند و در جریان اعتصابات و اعتراضات شرکت داشتند؟

ج: بله در اعتراضاتی که چند وقت پیش داشتیم زنان در راهپیمایی در خیابانهای شوش و بستن جاده ها هم زنان شاغل و هم زنان دیگر یعنی همسران کارگران شرکت فعال داشتند. و می توانم بگویم که

شده است. با این همه و بدون در نظر گرفتن آثار به لجن نشستن کشتی شکسته ی نئولیبرالیسم و میزان و تاثیر این واقعه بر مرداب اقتصاد بورژوازی اسلامی؛ مارکسیست های ایرانی موظفند با یک چشم به تحولات جهانی سرمایه داری بنگرند و با چشم نگران دیگر به تحلیل مسایل داخلی ایران بپردازند و در مجموع آلترناتیوها و ظرفیت های موجود برای تحقق سوسیالیسم کارگری را ارزیابی و طراحی کنند. انگیزه ی شکل بندی این مقاله از همین دریچه توجیه پذیر است.

۱. نطفه ی بحران کنونی وال استریت به مثابه ی سقوط نئولیبرالیسم و انسداد همه بزرگ راه های منتهی به بازار آزاد پس از بحران دهه ی هشتاد (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴) شکل گرفت. در آن-سال-ها جورج بوش (پدر همین دبلیو بوش)، استادیار دانشگاه رایس، مدیر سرویس مرکزی اطلاعات ضد جاسوسی و رییس دفتر ارتباطات ایالات متحده در پکن بود و هنری کیسنجر علاوه بر تدریس در دانشگاه های جورج تاون و هاروارد، ایفای نقش-های کلیدی در تصمیم سازی های وزارت امور خارجه، اداره ی کمیته-ی مشورتی بین المللی بانک چیس مانهاتان را نیز به عهده داشت و نقش فعلی توماس فریدمن در نیویورک تایمز را نیز ایفا می-کرد. رییس این بانک دیوید راکفلر مشهور بود. همان زمان هانتینگتون ضمن هماهنگی مسایل راهبردی در شورای امنیت ملی و سردبیری فارن پالسی، مشغول تاسیس مرکز مطالعات استراتژیک "اولین" بود و ... باری در آن هنگام علی رغم فراملی شدن سرمایه داری و طرح نظریه ی دهکده-ی جهانی مک لوهان اما، امواج مخرب گلوبالیزاسیون آغاز نشده و سیاست های وقت و موقت جهانی اقتصادی حاکم بر ایالات متحده بر مبنای نوعی گفتمان

ناسیونالیسم افراطی مستقر گردیده و از انتزاع و استقلال و جدایی میان دولت های سرمایه داری پشتیبانی می کرد و منافع هنگفت سرمایه گذاران و شرکت های فراملی اروپایی را به چالش می کشید و ضمن تحدید مناسبات تجارت آزاد، به طور مستقیم وابستگی درونی جابه-جایی پذیر اقتصاد سرمایه داری را در تمام دنیا به خطر می افکند و مانع از گردش آزاد پول و در نتیجه پول-سازی می شد. سمپات-های ریچارد نیکسون، ماجرای واترگیت را توطئه یی علیه سیاستهای اقتصادی پیش گفته می دانند. به ادعای جف فریدن گذشته از ارتباط معنادار سرمایه- فراملی با جریان واترگیت، کافی-ست گفته شود "سرمایه گذاران بین المللی خواه در برکناری نیکسون دخالت داشتند یا نه؛ وقتی که ریچارد نیکسون تب دار و تلوتلو خوران از صحنه خارج شد، نفس راحتی کشیدند. حکومت جerald فورد گرچه اندکی نامشخص اما معقول تر بود و انتصاب نلسون راکفلر در ۱۹ اوت ۱۹۷۴ به مقام معاونت پرزیدنت فورد پایان نهایی و قطعی سال های پرتلاطم ضربه نیکسون و تهدید حمایت گرایی جدید بود ... به طور وسیعی احساس می شد که حزب جمهوری-خواه مرده است." (*The Importance of the Atlantic International Finance* 17 Nov. 1975)

همان هنگام پنجاه بانک معتبر جهانی در کمیسیون سه جانبه جمع شده بودند تا منافع امپریالیسم را که گفته می شد با سیاست-های نیکسون به خطر افتاده بود احیاء کنند. بانک های آمریکایی (چیس مانهاتان، مانیوفکچرز هانوور، کانتیننتال ایلی نویز، امریکا کورپوریشن، ج.پ. مورگان اندکوه؛ فرست شیکاگو) در کنار بانک-هایی از فرانسه (کایسه ناسیونال دوکرویت نگریکول)، ژاپن (دای ایچی کانگیو) بریتانیا (بارکلیس بانک) کانادا (آف مونترال) و ... گرد آمده بودند تا ستون-های اصلی نقشه های اولیه-ی مهندسی جهانی

شدن سرمایه داری را در تمام عرصه ها پی بریزند. آنان پس از سقوط نیکسونیسم به دوره ئی می نگرستند که در آن ارزش های اجتماعی اقتصادی و سیاسی برخاسته از سرمایه داری غرب (آمریکا + اروپای غربی) به ارزش های جهانی تبدیل شوند. به عقیده ی آنان مصرف، لوکوموتیو سود بود. در سال ۱۹۶۸ مجله ی فاریس که با افتخار خود را افزار سرمایه داری مینامید نظریات لی بیکمور (رییس نایبیسکو) در مورد شکل دادن به جهان واحد مصرف همگون را منعکس کرد. بیکمور با نگاه به روزی که در آن اعراب و آمریکاییان، ساکنان آمریکای لاتین و اسکاندیناویان، با همان ولع در حال ملج ملوچ کردن شیرینی-های رییس باشند که پیش-تر کوکاکولا می نوشیدند یا دندان هایشان را با گلگیت مسواک می زدند غرق در رویای شرکتی می-شود. (on world, forbes, 15 nov. 1968). پس از به قدرت رسیدن جerald فورد و پیش از آن که رونالد ریگان سوار قدرت شود سرمایه-داری آمریکا چند برنامه ی فوری را در دستور کار خود قرار داد. از جمله توازن میان حکومت و رسانه ها، مهار روشنفکران منتقد، تحدید آموزش عالی، کنترل ساختار کار؛ سیاست صنعتی و اقتصاد بین-الملل ... بحث پیرامون روش مندی های نظری و مکانیسم-های اجرایی هر یک از این برنامه ها به تنهایی موضوع ده-ها مقالات است و تبعاً از حوصله ی این مبحث خارج. بنابراین و برای ورود به ابعاد وسیع بحران کنونی سرمایه-داری بازار آزاد و طرح چپستی آن چه که در حوزه-های بازار بورس و سرمایه پولی (به تعبیر مارکس بدوی ترین شکل قرون وسطایی سرمایه) و سفته بازی از مدخل انفجار حبابهای اقتصادی سوداگرانه و به بن-بست خوردن ساب پرایم (وام های طولانی مدت با ریسک زیاد)، ابتدا به زمینه های ظهور تفکر



جای تولید صنعتی تقلیل دستمزدها و حتا افول اقتصاد کینزگرا (سرمایه داری دولتی کنترل شده و مداخله گر موسوم به دولت رفاه) و در نهایت چگونگی رونق موقت اقتصاد کاباره‌یی (کازینویی) می پردازیم.

نومحافظه کار، دانشگاهها، موسسات

۲. نئولیبرالیسم چه طرح از پیش تعیین شده‌ی سرمایه داری باشد و یا در نتیجه ی مجاب شدن سرمایه داری به آزادسازی اقتصادی از مسیر نفی یا به حداقل رساندن دخالت دولت در مناسبات بازار به منظور کسب سود بیشتر شکل گرفته باشد، و یا حتا از درون بحران‌های مالی و مناسبات ناشی از انباشت سرمایه بیرون آمده باشد در هر صورت ایده-نئولیبرالی حاکم بر سرمایه-داری طی سه دهه ی گذشته بوده است. و ورشکستگی و به پیسی خوردن آن از یک جهت موید درستی نظریه---های اقتصادی مارکس در مجلد سوم کاپیتال است و از جهت دیگر به مفهوم سرآمدن عمر دوره-یی از سرمایه داری است که پس از سقوط سرمایه داری دولتی شوروی، عریبه ی "پایان تاریخ" و پیروزی نهایی "جهان آزاد" را سر داده و جهانی شدن های اجباری را فراروی ما نهاده بود. آیا میتوان گفت که بحران اخیر سرمایه داری از طریق جابه-جایی دولت غیرمسوول (absentee government) با یک دولت مداخله-گر و بزرگ (big government) ترمیم پذیر و قابل حل است؟ چنا که دولت های غربی از طریق سیاست کاهش بهره، تزریق پول به بانکها و بازگرداندن اعتماد از دست رفته‌ی مردم و در نهایت اعاده ی نرخ سود وارد آن شده اند! برای پاسخ به این سوال ابتدا باید کمی در اصل ماجرا تامل کرد.

به یک تعبیر بحران سودآوری سرمایه

۳. ریگانیسم یکی از دو صورت مندی اعتبارات ایده-نئولیبرالیسم رخ داده است. دیوید هاروی در بررسی-های خود پیرامون "تاریخ مختصر نئولیبرالیسم" نحوه ی استقرار نئولیبرالیسم را معطوف به طراحی از پیش تعیین شده‌ی نهادهای مشخص سرمایه-داری میکند. بر پایهی روایت هاروی بودجه های بسیار کلان که از سوی شرکت های مهم تامین می-شد برای راه اندازی موسسات پژوهشی و ایجاد رابطه هایی بسیار نزدیک با جوامع دانشگاهی جهت تبلیغ و ترویج نئولیبرالیسم سازماندهی شده است. (صص ۶۶-۶۵) تا جایی که کارفرمایان سویدی (۱۹۸۳) از کنترلی که بر جایزه ی نوبل اقتصادی داشتند استفاده کردند، (۱) تا برای پیروزی در مبارزات انتخاباتی نئولیبرالیسم را در تفکر اقتصادی جامعه سوئد تقویت کنند (ص ۱۶۰). به نظر هاروی آنچه به هژمونی یابی ایده-نئولیبرالیسم منجر شد، نه ارزش عملی واقعی راهکارهای آن بلکه صرف وجود مجموعه سرمایه داران مالی و اقتصادی، پایگاههای محافظه کار و پژوهشی، تبلیغات رسانه-یی و صاحب نظران و متخصصان اقتصادی بود. به ویژه از آن رو که در زمان اعتلای نئولیبرالیسم، ایده نو لوژی-های بدیل به دلیل بحران های ناشی از انباشت سرمایه و ورشکستگی لیبرالیسم قدرت خود را از دست دادند. انباشتی که در تحلیل هاروی میتوانست نتیجه طرحی توطئه گرایانه یی باشد که نئولیبرالیسم با حملات سوداگرانه و هماهنگ شده-ی خود بر این با آن پول (ارز) و بورس بازار مالی به اعتصاب و فرار سرمایه دست می زد (ص ۱۶۳). پیش شرط تحقق راهبردهای نئولیبرالیسم غیبت و در صورت فعالیت انهدام اتحادیه ی کارگری بود.

۱. در سال ۱۹۹۸ آمارتیا سن هندی، سال ۱۹۹۹ ابرت ای. ماندل کانادایی سال ۲۰۰۳ کلیدولبیو به اتفاق جی. گرنگر انگلیسی و رابرت انگل آمریکایی نوبل اقتصاد را



ثروت و قدرت بود.

چرا که به جز تضعیف بخش بزرگی از زیرساخت های اجتماعی شهری و احیای شیوهی دیگری از قدرت طبقاتی، بانک-های سرمایه گذاری به عنوان یکی از طراحان مدیریتی شهر نیویورک بازسازی اقتصادی آن را پیرامون فعالیت های مالی و خدماتی و خدمات جنبی در دستور کار قرار دادند و به مصرف-گرایی تنوع بخشیدند (ص ۷۱). به نوشته ی هاروی قربانی اصلی نئولیبرال سازی زیرساخت-های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر نیویورک، طبقه کارگر و مهاجران قومی بودند. در سال ۱۹۸۰ رونالد ریگان به عنوان نماینده جمهوری خواهان به ریاست جمهوری رسید و به بهانه ی مبارزه با تورم، سیاست های نئولیبرالیستی مقررات زدایی از اقتصاد بازار آزاد را به اجرا درآورد. کاهش (۱) حدود و محتوای نظارتی و کنترلی دولت فدرال به ترتیب کلیه فعالیت-های صنعتی، شرایط محیط های کاری، مراقبت-های بهداشتی و حمایت از حقوق مصرف-کننده- نیز کاهش بودجه و مقررات- زدایی از جریان مالی، سرمایه گذاری، و تجدیدنظر وسیع در تعیین مالیات با هدف فریبه-سازی قدرت طبقاتی بورژوازی، در نهایت به بسیاری از شرکت-های سرمایه-گذاری امکان داد بدون پرداخت مالیات به جمع آوری سود بیشتر بپردازند. (مقایسه کنید با لغو ۳ درصد مالیات از ارزش اضافه که اخیراً دولت احمدی نژاد زیر فشار سرمایه-داران بازار به آن تمکین کرده است!!) به قول هاروی شلیک نهایی ریگان واگذاری بی قید و شرط دارایی های عمومی به بخش خصوصی- بود. (ص ۷۷) نخستین برنامه-ی ریگان انهدام همه ی اتحادیه-های کارگری بود. برای دست-یابی به این هدف، تحریک اتحادیه-های کارکنان کنترل هوایی به اعتصاب و متعاقباً سرکوب آنان (۱۹۸۱) در کنار انتقال فعالیت-های صنعتی از نواحی

شمال شرقی و شمال مرکزی که تحت نفوذ اتحادیه-ی کارگری بودند به ایالات جنوبی فاقد تشکل-های کارگری، در دستور کار نئولیبرالیسم قرار گرفت. در راستای پشتیبانی از درهم شکستن فعالیت اتحادیه ی کارگری رسانه-های حامی نئولیبرالیسم (وال استریت ژورنال) و نویسندگانی همچون جورج گیلدر به همراه دانشکدهی متمدن علوم بازرگانی و دانشگاه-هایی از قبیل هاروارد و استنفورد و به ویژه کرسی اقتصادی دانشگاه شیکاگو به زعامت میلتون فریدمن وارد گود تبلیغ و ترویج اقتصاد بازار آزاد و گسترش خصوصی سازی ها شدند. در این میان نهادهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به یاری تحکیم پایه-های نئولیبرالیسم شتافتند.

۴. تاچریسم یکی دیگر از صورت های غالب بر ایده-نئولیبرالیستی است. تا قبل از دهه ی ۱۹۶۰ انگلستان به عنوان قدرت برتر امپریالیستی و مرکز ثقل امور مالی بین المللی، در سازوکارهای اقتصاد جهانی نقش اول را ایفا می کرد. پس از جنگ بین-المللی دوم و ظهور قدرت امپریالیستی، آمریکا، دولت انگلستان برای حفظ نقش آفرینی جهانی خود دست به یک سلسله اقدامات گسترده در زمینه ی سرمایه-مالی زد که با توجه به انباشت سرمایه به بحران های دهه ۷۰ گره خورد و باعث صعود وحشت ناک نرخ تورم، کاهش شدید بودجه، افزایش هزینه های دولت، بی کاری وسیع کارگران و اعتصاب وسیع کارگری شد.

صعود وحشت ناک نرخ تورم، کاهش شدید بودجه، افزایش هزینه های دولت، بی کاری وسیع کارگران و اعتصاب وسیع کارگری شد. در این دوران حزب کارگر که به نوعی حامی دولت رفاه کینزی بود، زمام حکومت را در اختیار داشت. حزب کارگر و به واقع دولت حاکم بر انگلستان برای مهار بحران ناگزیر شد با تسلیم به سیاست های انقباضی صندوق بین المللی پول (کاهش هزینه های رفاهی و تقلیل بودجه)، عملاً علیه منافعی

حامیان سنتیاش اقدام کند. به این ترتیب حکومت حزب کارگر سقوط کرد و در جریان انتخابات مارگارت تاچر با اکثریت قابل توجه و با اجازه کامل از سوی حامیان خود به پیروزی رسید و در نخستین گام قدرت اتحادیه های کارگری را مهار کرد (ص ۸۶). تاچر به عنوان نماینده-ی تمام عیار نئولیبرالیسم (مشهور به Iron maiden) از طریق گشودن درهای صنایع بریتانیا به روی رقابت و سرمایه گذاری خارجی، نه فقط در مسیر سریع انهدام قدرت اتحادیه-های کارگری کوشید بلکه طی سه چهار سال صنعت بومی و سنتی انگلستان (صنایع فولاد شفیله، کشتی سازی گلاسکو و صنایع خودرو سازی) را به نابودی کشید و بریتانیا را به عرصه-ی فعالیت شرکت های خودرو سازی ژاپنی تبدیل کرد. این شرکت-ها به کار می گرفتند. کارگرانی مطیع کار فرما و دولت که به روابط کارگری سبک ژاپنی تسلیم می شدند و با کار زیاد به دستمزد کم قانع بودند.

مارگارت تاچر با اعتقاد به این که چیزی به نام جامعه وجود ندارد، بلکه فقط مردان و زنان منفرد وجود دارند شورای شهر مدافع آرمان های سوسیالیستی را از طریق کاهش بودجه آنان منفل کرد و همزمان موج وسیع خصوصی سازی ها در بخش اقتصاد صنعتی (صنایع هوا فضا، مخابرات، خطوط هوایی، صنایع فولاد، برق، گاز، نفت، زغال، آب، اتوبوسرانی، راه آهن و ...) در دستور کار قرار گفت ... به نظر هاروی اگر بحران جدی انباشت سرمایه در دهه ی ۱۹۷۰ روی نداده بود، پدیده تاچر ظهور نمی کرد، چه رسد که موفق شود. (ص ۸۴) شک نیست که بحران انباشت سرمایه در شکل بندی نئولیبرالیسم سهمیم بوده است اما واقعیت این است که ضعف تشکیلاتی و نظری اتحادیه های کارگری، شکاف در تیپ های مختلف جنبش اجتماعی)



۱. طرح تحول اقتصادی احمدی نژاد (= نوکان-های افراطی ایران) عیناً از طرح ریگان و در واقع تئوری های میلتون فریدمن کپی شده است و اصول و اهداف مشابهی را دنبال می کند. خصوصی سازی (شما بخوانید خودی سازی) در ایران و هر جای دیگری به معنای باز کردن زنجیر سگ-های بازار آزاد و اقول قدرت خرید کارگران و فرودستان است.

جورج سوروس، جف ساچز و پل کروگمن از سیاست‌های نئولیبرالی در همین راستا صورت بسته است.

از بانک، وثیقه و وام‌های سنگین و ریسک پذیر سخن گفتیم تا مدخلی برای ورود به بحران کنونی نئولیبرالیسم گشوده باشیم. در ساده‌ترین روایت خود بحران وال استریت با پرداخت وام‌های آسان موسوم به ساب پرایم آغاز شد، بانک‌ها وام‌های زیادی با بهره کم و بازپرداخت طولانی به خریداران خانه پرداخت کردند و به تدریج معلوم شد که بسیاری از مردم توانایی بازپرداخت قسط‌ها را که در مجموع از وام دریافتی به مراتب سنگین‌تر است ندارند. حساب بازار مسکن میلیون‌ها آمریکایی را به دریافت وام‌های کم بهره به منظور خرید خانه ترغیب کرده بود. به گمان خریداران سودشان تضمین شده بود اما با ترکیب حساب قیمت‌ها، خریداران دریافتند که میزان بدهی‌شان از قیمت خانه‌شان بسیار بیشتر است. بدین سان بازپرداخت وام‌ها با اختلال جدی مواجه شد و بانک‌ها به سرایش و رشکستگی افتادند. ابتدا بانک ایندی مک سقوط کرد. بعد وامو و سپس واپوویا و بعد مورگان استنلی. تا همین یک سال پیش (۲۰۰۷) نیز هیچ‌کس گمان نمی‌کرد بانک بزرگ وام‌دهنده‌یی چون وامو (واشنگتن موجهوال) در عرض چند ماه ساقط شود. بتدریج بی‌اعتمادی نسبت به اعتبار بانکها ذهنیت سپرده‌گذاران را به خود معطوف کرد... دامنه بحران به قدری وسیع بود که در همان روزهای اول سپتامبر ۲۰۰۸ بیش از ۵۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را تحت تاثیر خود قرار داد. سهم اقتصاد آمریکا در تولید ناخالص جهانی تا آن جا عظیم است که هر گونه تلاطم و رکود در آن میتواند شکوفاترین اقتصادهای دو رقیمی را نیز به محاق افول بکشد. در سال ۲۰۰۷ تولید ناخالص داخلی آمریکا بیش از ۱۳ تریلیون و ۳۸۰ میلیارد دلار برآورد شده که سهم آن در تولید ناخالص جهانی بیش از ۲۱۱ درصد بوده است. اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۶ بالغ بر

نئولیبرالیسم گزارش-های هولناکی از شرایط کار و زندگی طبقه کارگر ارائه داده است. کارگران و زحمت‌کشان که در جریان خصوصی سازی، تقلیل دستمزدها و جهانی شدن‌های اجباری، شغل خود را از دست داده اند لاجرم به باندهای قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و زنان و جوانان و سایر تقاضای غیرمشروع روی می‌آورند. این باندهای قاچاق و بزهکاری تبعی آنها، همگی ناشی از خاکسترنشینی کارگران و نتیجه مستقیم اقتصاد بازار آزاد، مقررات زدایی از بازار؛ بحران انباشت به شیوه سلب مالکیت عمومی است (ص ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۳۹). هاروی این مطرودین را قربانیان خصوصی سازی، مالی سازی، مدیریت و طراحی بحران‌هایی میدانند که نئولیبرالیسم و دولت‌های ضد سوسیالیستی حامی آن به وجود آورده‌اند. گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول (توسط کشورهای تهی دست و فقیر) و بانک جهانی برابر است با باز پس دادن بیش از پنجاه برابر آن. امری که در فرایند گرفتن وام مسکن به بحران اخیر وال استریت نیز دامن زده است.

جوزف استیگلیتز (برنده نوبل اقتصادی ۲۰۰۱ و طرف دار سرمایه داری کنترل شده) در انتقاد به این سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم می‌گوید: "چه دنیایی عجیبی که در آن کشورهای فقیر عملاً به کشورهای ثروتمند سوبسید می‌دهند!!" (ص ۲۳۷) افرادی که قادر به پرداخت وام‌های سنگین خود به بانک‌های خصوصی نیستند. با حراج و یا مصادره وثیقه (مسکن) خود روبرو می‌شوند و کشورهای مقروض ناگزیر می‌گردند که به سیاست‌های نئولیبرالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تمکین کنند. نئولیبرالیسم از طریق تشدید فاصله و تضاد طبقاتی مدافعان سنتی سرمایه داری لیبرال را نیز نگران کرده است. انتقاد امثال استیگلیتز،

(زنان، دانشجویان، کارگران، شهروندان متوسط‌فقدان یک حزب منسجم و متکی به برنامه‌ها و آرمان‌های سوسیالیسم کارگری به همان اندازه در ظهور ریگانیم تاچریسم موثر بوده است. در سال ۱۹۶۸ دانشجویان رادیکال عملاً از اتحادیه‌های کارگری فاصله گرفتند و با موضع پست مدرنیستی تردید نسبت به روایت‌های کلان، نه فقط با اتهام وجود دیوان‌سالاری اشرافی بی‌باوری خود را به اتحادیه‌های کارگری اعلام کردند، بلکه با انشاق از صفوف مطالبات سوسیالیسم کارگری راه اعتلای نئولیبرالیسم را هموار ساختند. (قابل توجه دانشجویان و کارگران پیشرو و سوسیالیست ایران).

۵. مقررات زدایی از بازار به نحو شگفت‌انگیزی دست سوداگران مالی و سرمایه داران تجاری و بازرگانی را به سوی کالایی سازی جامعه باز و دراز کرد. کالایی سازی مستلزم وجود حقوق و مالکیت برفراوندها، و روابط اجتماعی است که بر آنها می‌توان قیمت گذاشت و به شرط قرار داد قانونی آنها را به عرصه خرید و فروش نهاد (ص ۲۳۱) در ساختار اقتصاد نئولیبرالیستی زمان این قراردادهای همیشه کوتاه مدت است. برای تامین منافع حقوق مالکیت در فرایند قراردادهای کوتاه مدت دولت نئولیبرال از یک طرف مالکیت عمومی بر منابع طبیعی، صنایع، شرکتها، بانک‌ها، اراضی ملی و کارخانه‌ها را لغو می‌کند. (خصوصی سازی) و آنها را به شرکت‌های سرمایه داری و امی‌گذار و از سوی دیگر به قصد کسب سود بیشتر مناسبات بازارهای کار را به نفع کارفرمایان خصوصی و به زیان کارگران تغییر می‌دهد. (نمونه را، کارگرانی که پس از انقضای قرارداد موقت خود که این روزها در ایران به شدت شایع و حاکم است به خیل بیکاران بی بهره از بیمه بیکاری و بدون حمایت دولت می‌پیوندند). دیوید هاروی در بخش‌های مختلف کتاب تاریخ چه

سخن می‌گویند و برخی دیگر بدون توجه به تقسیم‌پذیری سرمایه (از جمله کالا، پول و خدمات و ...) مانند اقتصاددانان شبه چپ هترو دوکس از بررسی دلایل مبنایی بی‌ثباتی ذاتی فرایند انباشت سرمایه باز می‌مانند.

و عجیب‌تر این که مولفه‌ی همچون سرمایه موهوم که کم یا بیش ۱۵۰ سال پیش توسط مارکس تفسیر و تحلیل شده است اینک از سوی چپ‌های جبهه‌ی مانتلی رویو نادیده انگاشته می‌شود! (عدم مرزبندی میان سرمایه‌داری و امپریالیسم یعنی همین دیگر)

۷. نتولیرالیسم به انتهای راه رسیده است. جرات حساب بازار مسکن که از مدت‌ها پیش در حال ترکیب و سربازکردن بوده است همچون زلزله‌یی در اعماق زمین اینک به شکاف‌های عمیق و پرتاب‌گدازه‌ها ختم شده است، و به درستی دانسته نیست که فردا کجای این یک وجب خاک را ویران خواهد کرد. پس از خاتمه‌ی دوران دولت‌های کینزی افسانه‌ی کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی از بازار (نتولیرالیسم) نیز به پایان رسیده است. حساب‌های سفته‌بازی در چاله‌های موسسات رهنی، بازارهای اوراق قرضه‌لنگ در هوا، بازارهای اوراق تجاری با پشتوانه و بازارهای بیمه تعهد پرداخت وام یکی پس از دیگری در برابر چشمان حیرت‌زده-مقامات ارشد آمریکا و متحدانش (G7) منفجر می‌شود و تلاش سراسیمه‌ی سران دولتی، پرفسورهای برنده نوبل اقتصاد، تئوریسین‌های لیبرال و نتولیرال، بانکداران و همه صاحبان سرمایه به اندازه یک اسپرین مفید نیفتاده است. غول‌های سرمایه‌داری مانند مورچگانی که آب به خانه‌شان راه یافته، در نهایت آشفتگی و مانند آدمهای ناشی دست پاچه شده‌اند. برآورد صندوق بین‌المللی پول حاکی از رشد خوش‌بینانه‌ی ۵٪ و ۶/۱ درصد اقتصاد آمریکا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ است. پنداری آنان نمی‌دانند یا تجاهل میکنند که رکود ناشی از بحران خانمان سوز مسکن، برخلاف رکودهای ۱۹۳۰ و ۱۹۷۰ به سادگی جمع‌شدنی نیست.

کسری بودجه فدرال، اقتصاد وابسته کشورهای نفتی را (از جمله اقتصاد درب و داغون و تورم زده سرمایه‌داری اسلامی ایران) نیز به تزلزل درآورده است و به بهای سنگین فقر و تنگ‌دستی فرودستان کشورهای جنوب تمام شده است. این پدیده همان مصداق نظریه‌ی ایمزیراسیون با خصلت تهیدست‌سازی و تبلور عینی فقر مارکس است.

همچنین در این ماجرا مفهوم غیرحقیقی (موهوم یا دروغ) سرمایه‌ی فیکتیشس فوق‌العاده مهم است.

نقش چنین سرمایه‌ی بی‌برخلاف ماهیت قلبی‌اش در فرایند گردش و انباشت سرمایه امری واقعی‌ست. تنها به این دلیل سرمایه فیکتیشس را غیر حقیقی میدانیم که چنین سرمایه‌ی بی‌در حوزة تولید و نه گردش پایگاه عینی ندارد. در جریان چرخش و توزیع، فریه شدن سرمایه صرفاً به نرخ سود وابسته است حال آنکه در روند تولید؛ ارزش اضافه به چاق شدن سرمایه‌یاری می‌رساند. دقیقاً به همین علت است که مارکس سرمایه‌ی مالی را سرمایه موهوم (غیر حقیقی) می‌خواند و در عین حال نقش آن را در فرایند گردش و توزیع سرمایه یادآور می‌شود. آن چه که در این بخش باید مورد توجه قرار بگیرد ارتباط عطسه سرمایه‌ی مالی با تب و لرز سرمایه جهانی و احتمالاً غش و مرگ سرمایه‌داری دولت‌های وابسته به نفت (دلار - یورو) است.

در واقع از همین جاست که عوارض سرماخوردگی جهانی شدن سرمایه‌داری خیلی سریع فراگیر می‌شود و به ویژه گریبان اقتصادهای ضعیف و شکننده را که توان دفاعی‌شان بر اثر ایدز سرمایه‌داری آفت کرده است می‌گیرد و رو به قبله می‌کند. زمینه‌ی اولیه‌ی چنین ماجرای توسط هیلفردینگ و لنین مطرح شده است و کلیات همان مولفه‌ها در مورد وضع حاضر نیز حاکم است. و شگفت این است که با این همه بعضی از چپ‌ها (سنتی‌ها) هنوز هم از سیطره‌ی سرمایه‌ی مالی در فرایند انباشت

۷/۱۲ درصد از حجم کل تجارت جهانی (۷/۲۹۵۷ میلیارد دلار) را در اختیار داشته است. حالا که بحث به اینجا کشید شاید بد نباشد در ماجرای ساب پرایم و سرمایه‌ی غیرواقعی ("موهوم" به تعبیر مارکس) کمی بیشتر تامل کنیم. هر چند مساله به وضوح و با جامعیت و شفافیت در جریان سخنرانی و پرسش و پاسخ رفیق ایرج آذرین حل و تجزیه و تحلیل شده است. اما اهمیت و فراگیری بحران چنان عمیق است که به قول حافظ "از هر زبان که می‌شنوم نامکرر است". بررسی موکد بحران ساب پرایم فقط به سبب از دست رفتن خانه‌های مردم و نابود شدن میلیارد‌ها دلار سرمایه مالی نیست که مهم است! این بحران از یک طرف بر یک دوره نکبت بار سرمایه‌داری خط بطلان کشیده و فاتحه‌ی نتولیرالیسم به مثابه هارترین وجه سرمایه‌داری جهانی را خوانده و از طرف دیگر با تاکید بر استحکام علمی و صحت نظرات مارکس فرصت بالقوه‌ی بی‌زده‌است که از زیر فشار ناشی از سقوط رویزیونیسم روسی (سرمایه‌داری دولتی اتحاد جماهیر شوروی) خارج شوند و حمله تئوریسین‌های سرمایه‌داری را که فروپاشی شوروی را به شاخی زیرچشم مارکسیسم لنینیسم تبدیل کرده بودند به ضد حمله علیه کثیف‌ترین ژانر سرمایه‌داری و به چالش کشیدن سرمایه‌داری جهانی شده و طرح آلترناتیو سوسیالیسم کارگری مبدل سازند. ساب پرایم (بهره رهن یا خرید با نرخ گزاف) و دست به دست شدن ناگزیر (به دلیل ریسک تصاعدی) وام‌های خرید خانه و ایجاد اعتبار بر اساس صرفاً اعتبار بحران گسترده‌ی بی‌دامن زده است که نه فقط به از دست رفتن خانه‌های مردم فقیر انجامیده و در همان روزهای اول به بیکاری بیش از دویست هزار کارگر منجر شده است، بلکه سه چهارم درصد از رشد اقتصادی چین را نیز کاسته است و بهای نفت اوپک را از ۱۴۷ دلار به حدود ۶۰ دلار تقلیل داده و علاوه بر

آنان حتما نمی دانند که این حباب ها اقتصاد ظاهراً شکوفای چین و روسیه را نیز تهدید میکند. بیکارسازی های گسترده در کنار تورم و فقر عنان گسیخته هم اکنون گریبان صنایع فرانسه (رنو) و آلمان و ایتالیا را گرفته است. تلاش بانک-های آمریکایی به منظور کاستن ۲۰۰ میلیارد دلاری از ارزش تعهد وامهای شان برای جلوگیری از ورشکستگی فزون تر رهن-های مسکن به دلیل فقدان اعتبار بسنده در بازار، به بحران جدید نقدینگی انجامیده است. بی اعتمادی مردم نسبت به اعتبار بانک ها؛ خیل بی شماری از سپرده-گذاران را به قصد دریافت پول های شان روانه بانک ها کرده است. اگر مردم برای دریافت سریع پول شان سماجت ورزند آن گاه بحران وال استریت وارد مرحله ی تازه یی خواهد شد. علی رغم تصویب ۲۵۰ میلیارد دلار از ۷۰۰ میلیارد دلار کمک پیش نهادی بوش به بانک ها و اختصاص مبالغ مشابه از سوی براون (انگلستان)، مرکل (آلمان)، سارکوزی (فرانسه)، برلوسکونی (ایتالیا) هنوز هوای آسمان نئولیبرالیسم سخت توفانی ست. سایر طرح های دولت ایالات متحده به قصد تامین منابع مالی جدید وام-های غیر قابل پرداخت این کشور با کسری ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلاری مواجه شده است. ده ها برابر این پول -ها، به صورت اوراق قرضه دست به دست شده در اختیار چینی-ها، روس ها، سنگاپوری ها، کره یی ها و ... هر لحظه در حال تولید موج جدیدی از بحران انباشت سرمایه مالی-ست.

گفته می شود فدرال رزرو تاکنون ۳۰ میلیارد دلار به عنوان وجه الضمان ورشکستگی بیراسترانز در نظر گرفته است. این بانک به عنوان پنجمین بانک سرمایه گذار آمریکا در مقابل هر یک دلار دارایی بیش از ۳۳ دلار مقروض است. مریل لینچ در سه ماهه اول سال ۲۰۰۸ با ۷/۹ میلیارد دلار کاهش ارزش دفتری و ۴۰۰۰ پرسنل اخراجی دست به گریبان شده است. برنامه های پالسون (وزیر خزانه-داری آمریکا)

مبنی بر تمرکز بیشتر بر ادغام کمیسیون اوراق بهادار ارز و کمیسیون پیش فروش پیش خرید به منظور تسریع رقابت در سیستم مالی و اولویت دادن به موسسان اصلی وال استریت با مخالفت های جدی امثال استیگلیتز و دیگران به چالش کشیده شده است. در آمریکا دیگر سرمقاله های توخالی آدم فرومایه یی همچون توماس فریدمن خواننده ندارد. اکثر نسخه های نیویورک تایمز برگشت میخورد و آنان که دست چپ و راست خود را می شناسند برای محاکمه-ی استخوان های پوسیده میلتون فریدمن دادگاه های غیابی تشکیل می دهند. در مقابل از رونق افتادن کتاب ها و مقالات نئولیبرال-ها، آثار سوسیالیستی و به ویژه کتاب جاودانه-ی "کاپیتال" کارل مارکس به طرز شگفت ناکی با استقبال جوانان، دانشجویان، استادان دانشگاه و طیف های مختلف جامعه مواجه شده است. و عجیب تر آنکه حتی راست ها نیز برای تبیین نظری بحران به مارکس مراجعه کرده-اند. پس از افتادن طشت رسوایی نئولیبرالیسم از بام بلند سرمایه داری (آمریکا)، تبلیغات سرسام آور رسانه های بورژوازی که راه رشد غیر سرمایه داری خروشچف و سرمایه-داری دولتی برژنرف و فروپاشی اردوگاه رویونیسم شوروی را به مثابه شکست سوسیالیسم جا زده بودند نیز رسوا شده است.

کارل دیتز یک ناشر آلمانی می گوید فروش کاپیتال که از زمان تولید و چاپ آن (۱۸۶۷) به ندرت دو رقمی بوده از سال ۲۰۰۵ به شدت فزونی یافته است. جوئرن (یک مدیر نشر) به اسپیکل گفته یقیناً فلسفه اقتصاد سیاسی مارکس در حال حاضر مد روز است و فروش کتاب کاپیتال از زمان آغاز بحران مالی سود فراوانی برای ما داشته است!! کم و بیش همه ناشرانی که کاپیتال را چاپ و منتشر می-کنند از رشد ۳۰۰ درصدی فروش آن سخن گفته اند. رجعت به مارکس و امکان احیای جنبش-های اجتماعی مبنی بر سوسیالیسم کارگری، تمبمان نظریه پردازان سرمایه داری را از کک های گزنده انباشته است. این کک های طاعون زا دست پخت

همین سرمایه دارانی ست که اکنون از ترس طاعون مرگ به ولوله افتاده اند و برای نجات از بحران فراگیر نمایندگان سیاسی اقتصادی و ایده نو لوژیک خود را ارجوزه خوان به میدان فرستاده اند. آنان خیلی می کوشند خونسردی خود را حفظ کنند اما تب و لرز بحران نه فط در چهره ی رنگ باخته شان بلکه در صدای لرزان و سخنان هذیان سان ایشان به وضوح پیداست. برای آنکه ما را به شایعه و دروغ پراکنی متهم نکنند فقط به چند نمونه از این پریشان گوئی ها اشاره می شود.

۸. در ابتدای آخرین دهه ی هزاره دوم (۱۹۹۱) و دقیقاً زمانی که نئولیبرالیسم ریگانستی در مسابقه ی سیاسی اقتصادی فرهنگی نظامی موسوم به جنگ ستارگان در حال فایق آمدن بر سرمایه-داری دولتی شوروی بود؛ تئوریسین پاچه ور مالیده-یی همچون لکاته ها خود را نخود آش شور سرمایه-داری نئولیبرالیستی کرد و مدعی شد که تاریخ به پایان رسیده و دوران حاکمیت نهایی و همه-جانبه ی لیبرال دموکراسی غربی آغاز شده است. این شارلاتان سیاسی که به نام فرانسیس فوکویاما نزد ما مشهور است و تئوری خود را تحت عنوان *The last man and end of history* میان نهاده اینک که بحران انباشت مالی، سرمایه داری نئولیبرال را به ورطه ی سقوط کشیده با فرصت طلبی هر چه تمام-تر به میدان آمده و مدعی شده است که: "بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ وقتی که دنیا دوران رشد بی سابقه یی را تجربه می کرد نادیده گرفتن سوسیالیست های اروپایی و پوپولیست های آمریکای لاتین که الگوی اقتصادی آمریکا را محکوم می کردند و آن را سرمایه داری کابویی می خواندند، کار آسانی بود. اما اکنون واگن رشد اقتصاد آمریکا از ریل خارج شده و همه دنیا را به دنبال خود به خطر انداخته است. از آن بدتر این که اکنون متهم اصلی، الگوی آمریکایی است." (نیوزویک، اکتبر ۲۰۰۸ نیز: واشنگتن پست ۸ اکتبر ۲۰۰۸)

مکدر شده، دو کلمه هم از مادر عروس بشنویم و بگوییم.

در اوج بحران و در شرایطی که رهبران G7 گروه متفکرانه بر ابروان خود انداخته بودند مقام عظمای ولی-فقیه سرمایه‌داری اسلامی، بحران به تعبیر حضرت شان "لیبرال دموکراسی" را با فروپاشی مارکسیسم (شما بخوانید سرمایه داری دولتی روسی) مقایسه فرمودند و ضمن در میان نهادن اسلام ناب محمدی با تورم ۴۲ درصد و کسری بودجه ۷۰ میلیارد دلاری، واردات ۹۰ میلیارد دلاری و ...!! - از سقوط استکبار جهانی اظهار خوشنودی فرمودند. هنوز این اظهار فضله مشعشع خشک نشده بود که آیت الله رفسنجانی اسلحه به دست پشت منبر نماز جمعه رفت و در دفاع از نئولیبرالیسم؛ دل خُتک شده رهبر را داغ کرد و هشدار داد از "سونامی اقتصاد جهانی خوشحال نباشیم، خطر در راه است!"

دماغ عقب مانده نئولیبرال های ایرانی بسیار کندتر از اسبانی که از وقوع زلزله سُم بر زمین می کوبند، تحریک شده است و فقط این قدر می داند که اقتصاد موتلفه‌می حاج حبیب الله عسگر اولادی نو مسلمان مانند مدل اقتصادپرفسور موسی غنی نژاد نمی تواند برای مدتی طولانی روی پای خود بایستد. در ایران نیز امضای "هایک ناپینی" منسوخ و بی اعتبار شده است!

و برای اینکه خیال اندک دوستانی که- با افتخار به رشد دو رقی اقتصاد چین هوای تکریم و تقدیس بازماندگان مانو - چونن-لای برشان می دارد را راحت کنیم یادآور می شویم که اعلیحضرت هوجیانگ تائو در آخرین موضع-گیری خود نسبت به بحران وال استریت، از تعهد چهار هزار میلیارد دلاری برای نجات سرمایه‌داری غربی سخن گفته است. فاتحه! *

تسین آمیز سخن میگوید. عالی جناب دومینیک استراس کان (رییس صندوق بین المللی پول)، ضمن ستایش از همدردی و همراهی رهبران سرمایه‌داری جهانی به منظور پیشگیری از ورشکستگی وال استریت، پنج راهکار را به میان نهاده است.

از جمله ایجاد تناسب سرمایه خصوصی و دولتی و بستن راه های گریز موجود در مقررات پولی جهانی و ... در این میان گوردون براون با کیسه‌ی ۳۷ میلیارد پوندی، آنجلامرکل با توبره ۵۰۰ میلیارد یورویی و ... از اجلاس اضطراری بروکسل (۱۶ اکتبر ۲۰۰۸) بیرون شتافتند و برای وصله پینه کردن سوراخ های حباب اعلام آمادگی کردند.

غافل از آنکه حباب ها، نه سوراخ، که ترکیده‌اند.

و باز هم جالب اینکه جناب جورج سوروس (شوارتز) در وسط معرکه به نرخ گذاری بحران پرداخته و در انتقاد از سیاست های نئولیبرالی کتابی تحت عنوان "New paradigm for financial markets"

منتشر کرده و سه پیش-نهاد الف: حل و فصل مشکل وام های رهنی، ب: کاهش میزان به اجرا گذاشتن وثیقه‌ی ملکی، پ: سرمایه گذاری مجدد در بانک ها، را پیش کشیده است.

و از همه مهم تر!! افاضات حضرت میخائیل گورباچف است. این بنده خدا که گویی از سیاره‌ی دیگر به مرکز دعوا پرتاب شده، بازگشت به گلاسوست را تنها راه حل بحران خوانده است!

جازه بدهید در وانفسای بحران اقتصادی ما نیز در اقتصاد کلام اسراف نکنیم و از سایر اظهار فضل های فاضلان فضله فروش بازار آزاد پر فضیلت؟! سرمایه‌داری بگذریم و برای انبساط خاطر خواننده‌ی

اجوزف استیگلنیز در گفت و گو با ریچارد ویمر (از روزنامه آلمانی برلینر سایتونگ ۹ اکتبر ۲۰۰۸) با تاکید بر این نکته که نظام نئولیبرالی در غرب مرده است برنامه کمک ۷۰۰ میلیارد دلاری دولت آمریکا به بانک ها را اقدامی کم اثر خواند و برای توصیف بحران به این مثال آویزان شد: در نظر بگیرید، بیمار از خونریزی شدید داخلی رنج می برد و به عنوان چاره نجات خون تزریقی دریافت می کند. بانک-ها پول قرض داده اند. ارزش دارایی بانککی به عنوان ضمانت پذیرفته شده است. این حباب ترکیده است. ضمانت-ها هیچ ارزشی ندارند یا بسیار کم ارزش اند استیگلنیز وام-ها را به اختلاس تشبیه کرده و هنری پاولسون (رییس خزانه داری) و بن برنانکی (رییس بانک مرکزی یا فدرال رزرو) را به نفهمیدن این واقعیت که دامنه های بحران به مراتب گسترده تر از اعاده اعتماد مردمی است، متهم کرده. نکته ی جالب این که استیگلنیز از یک سو برنامه ی نجات دولت آمریکا را دعوتی برای بازکردن درها و دروازه ها به روی فساد مالی و فقدان تعهد شفاف برای حساب رسی خوانده و از سوی دیگر این برنامه را که خسارت بانکداران با هزینه مالیات دهنده گان جبران شود در نهایت بهتر از هیچ دانسته است. همچنین استیگلنیز به وضوح گفته یک چیز مسلم است آن هم اینکه فلسفه آزادی سازی فاتحه اش خوانده است.

اظهار فضل هم پالکی استیگلنیز یعنی جناب پل کروگمن (برنده نوبل اقتصاد امسال) در تقبیح نئولیبرالیسم و تشبیه بحران جاری به رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، زمانی جالب جلوه می-کند که او همزمان با هم-پیاله-هایش در MIT از اقدام دولت هایی اروپایی برای نجات بانک-های آمریکایی به شیوه‌ی

**انقلاب در گرو به میدان آمدن
طبقة کارگر است**

Be Pish!

No : 34

Weekly Paper Of Workers Socialist Unity-
Iran

www.wsu-iran.org
bepish@hotmail.fr

News - Political

Nov, 2008

باز کنند و با ارایه‌ی چند هزار تومان بی ارزش و فاقد قدرت خرید به مردم گرسنه، صدقه‌گیری به شیوه‌ی "کمپته‌ی امداد" را جای گزین اعتلای استانداردهای زندگی و رفاه و برابری کنند. در حالی که سرمایه داری غرب در سوگ نئولیبرالیسم عزا گرفته و جنازهای متعفن اصحاب مکتب وین (فون هایک، فون مایرز) و مکتب شیکاگو (میلتون فریدمن) روی دستش ماسیده و گندیده است؛ نئوکان‌های نوکیسه‌ی ایرانی (اصول‌گرایان) با هلهله‌ی شادی همپالکی‌های نئولیبرال خود (اصلاح‌طلبان)، در کله‌های پوک شان رویای کوچک‌سازی و عدم دخالت دولت در بازار و خصوصی‌سازی را سر داده اند. هرچند نظام سیاسی فعلی به گونه‌یی تنظیم شده است که دولت (به مفهوم حاکمیت) نه فقط در کوچک‌ترین مسایل شخصی مردم هم دخالت تخریبی می‌کند بلکه اساساً خصوصی‌سازی به مفهوم واقعی و اسلامی آن یعنی خودی‌سازی و تقسیم ثروت میان معدود افراد وفادار از همان فردای مصادره انقلاب ۵۷ آغاز

کارگر و همه فرودستان جامعه نهاده است. توفانی که در اواخر دهه‌ی نخست هزاره‌ی سوم ارکان وال استریت را لرزاند و بازارهای آراسته و شیک و پیک غرب را به هم ریخته و پس‌لرزه‌هایش اقتصاد رو به شکوفایی چین و روسیه را متزلزل کرده است، در چند تصویر مشخص قابل تصور تواند بود. لایه‌شکافی این بحران صرف‌نظر از همه‌گیری جهانی آن و تاثیر بر اقتصاد آشفته جمهوری اسلامی به ویژه از این منظر برای کارگران، زحمت‌کشان و به تبع ایشان سوسیالیسم کارگری ایران حائز اهمیت است که خاطر نشان شویم، جناح‌های مختلف سرمایه داری اسلامی با نسخه‌ی نئولیبرالی سال ۲۰۰۲ بانک جهانی به پیشواز بیمار در حال احتضار اقتصاد ایران شتافته اند و به بهانه‌ی کذایی استقرار همه جانبه همان عدالتی که طی سی سال گذشته مردم را به فقر و فلاکت تمام عیار نشانده است می‌خواهند از طریق حذف چند درصد سوبسید ناچیز و حداقلی نان و برق و آب و بهداشت و حمل و نقل و آموزش، عنان سگ‌های سیری ناپذیر بازار آزاد را

درآمدی به سیر تطور بحران نئولیبرالیسم

سهراب صبح

یک بار دیگر حال سرمایه داری به هم خورده، سرش گیج رفته، قلبش گرفته؛ مغزش در چنگ استیصال و چنگال اختلال دچار جمود و گرفتار رکود شده و بی آن که درگیر انقلاب کارگری باشد، سخت منقلب گردیده است! یک بار دیگر سرمایه داری رو به قبله (واتیکان) شده است! پس از بحران‌های دهه‌ی چهل (۱۹۳۰) و هشتاد (۱۹۷۳) یک بار دیگر سرمایه داری به حالت اغماء افتاده است. هر چند اوضاع و احوال سیاه و اشنگتن و لندن ۲۰۰۸ با روزگار سرخ ۱۹۶۸ پاریس قابل قیاس نیست، اما در هر صورت فروپاشی بنیاد نظری و تلاشی مالی هارترین شکل سرمایه داری جدید (نئولیبرالیسم متکی به اقتصاد بازار آزاد) از یک سو کل نظام سرمایه داری جهانی را به چالشی جدی کشیده و از سوی دیگر امکان بالقوه‌ی احیاء یک جنبش اجتماعی فراگیر سوسیالیستی را فراروی طبقه‌ی

بقیه در صفحه ۱۳

تماس مستقیم با اتحاد
سوسیالیستی کارگری
wsu@home.se

تلفن:

0046-739-397-143

آدرس سایت اتحاد سوسیالیستی
کارگری
www.wsu-iran.org

آدرس سایت کارگر امروز
www.workertoday.com

بارو
کاهانه اتحاد سوسیالیستی کارگری
editorbaroo@yahoo.se

سردبیر: ایرج آذرین
Editor: Iraj Azrin